



## عبرت‌های حکمرانی عصر سلجوقی

**مهدی خاک‌ی فیروز**  
دبیر گروه اقتصادی

حکومت سلجوقیان در قرن پنجم و ششم هجری، یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران و جهان اسلام بود. این حکومت که بر بخش وسیعی از سرزمین‌های آسیای میانه، آناتولی و ایران حاکم شد، دستاوردهای فرهنگی، علمی، نظامی و اقتصادی بسیاری داشت. باوجود این، سلجوقیان با چالش‌ها و مشکلات زیادی نیز روبه‌رو بودند که مطالعه آنها، درس‌های ارزشمندی برای حکمرانی امروز به همراه دارد.

بررسی حکومت سلجوقیان در زمینه‌هایی همچون انسجام داخلی، علم و فرهنگ، دیپلماسی، مشکلات حکمرانی و مدیریت اقتصادی اهمیت زیادی دارد. یکی از ویژگی‌های مهم حکومت سلجوقیان، توانایی پادشاهان این سلسله در ایجاد وحدت درونی و انسجام میان اقوام مختلف بود. سلجوقیان از آسیای میانه وارد دنیای اسلام شده بودند، با درک اهمیت پیوستگی فرهنگی و دینی، پیوندهای محکمی میان ترک‌ها، ایرانیان و عرب‌ها برقرار کردند. در شرایط بحران‌های مختلف همچون جنگ‌ها با تهدیدات خارجی، این انسجام اجتماعی توانست بقای حکومت را تضمین کند.

سلجوقیان همچنین به علم و فرهنگ توجه زیادی داشتند. در این دوره، شهرهایی همچون نیشابور، بغداد و اصفهان به مراکز علمی و فرهنگی تبدیل شدند که دانشمندانی مانند غزالی و فارابی از آنها برخاستند. این توجه به علم موجب رشد فرهنگی و اجتماعی شد و در تقویت نوآوری‌های علمی نیز تأثیرگذار بود. سلجوقیان توانستند روابط دیپلماتیک مستحکمی با امپراتوری‌های بی‌زانس، خلافت عباسی و دیگر کشورها برقرار کنند. این دیپلماسی موجب حفظ منافع ملی و توسعه تجارت و همکاری‌های نظامی شد. در عصر حاضر، روابط خارجی همچنان ابزار مهمی برای حل مسائل جهانی و جلوگیری از تنش‌هاست.

بهرغم این دستاوردها، حکومت سلجوقیان با مشکلات داخلی فراوانی نیز روبه‌رو بود. فساد، کمبود منابع مالی، جنگ‌های داخلی و ضعف در مدیریت باعث شدند که در پایان دوره این حکومت با بحران‌هایی مواجه شود که به افول آن انجامید. این تجربیات برای حکمرانان امروز که با چالش‌های مشابهی مواجهاند، در زمینه مدیریت داخلی و مقابله با فساد و بحران‌ها درس‌های مهمی دارد. حکمرانی موفق در حال حاضر نیازمند شفافیت اداری، تقویت نهادهای دولتی و مدنی است.

نکته دیگری که در تاریخ حکمرانی سلجوقیان برجسته است، توانایی آنها در مدیریت نظامی و دفاع از مرزها بود. سلجوقیان با ایجاد ارتش منظم و استفاده از تاکتیک‌های نظامی نوین، موفق شدند در برابر تهدیدات خار جسی مقاومت کنند و سرزمین‌های خود را حفظ کنند. حکمرانان باید از تجربه‌های سلجوقیان در زمینه دفاع از مرزها بهره ببرند تا امنیت کشور را تأمین کنند. در نهایت، اقتصاد نیز یکی از ارکان مهم حکومت سلجوقیان بود. سلجوقیان با توسعه تجارت و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، در سطح بین‌المللی روابط تجاری برقرار کرده و از آن بهره‌بردار ی مطلوبی کردند. تجارت ابریشم و دیگر کالاها ی گرانبه‌ا از جمله منابع اقتصادی مهم آنها بود. حکومت سلجوقیان با تمام موفقیت‌ها و چالش‌هایی که داشت، درس‌ی مهم در زمینه حکمرانی به جهانپیان ارائه می‌دهد. عبرت‌های این دوره، از اهمیت وحدت داخلی و توسعه فرهنگی گرفته تا دیپلماسی موثر، مدیریت خردورزان‌ه بحران‌های داخلی و تقویت ساختارهای نظامی و اقتصادی، همچنان برای سیاستمداران و حکمرانان امروز قابل استفاده و بهره‌گیری است.

### گزارش

### روایت‌هایی کمتر شنیده شده

از مذاکره پشت میز غذا در دنیای سیاست

# دیپلماسی در بشقاب قدرت در هرلقمه

● از همبرگر تا سوپ ماهی، مذاکره‌کنندگان جهان در دل رستوران‌ها توافقاتی تاریخی را رقم می‌زنند

**سامان ساسانپور**  
خبرنگار

#### ● طعم قدرت

**خاطرات رستورانی رهبران سیاسی جهان**

سیاستمداران بزرگ جهان همیشه تصمیم‌های سرنوشت‌ساز خود را پشت درهای بسته کاخ‌ها یا در سالن‌های اجلاس نمی‌گیرند. گاهی یک میز غذا در رستورانی محبوب، محل شکل‌گیری خاطراتی ماندگار یا حتی صحنه‌ای برای دیپلماسی می‌شود. از کافه‌های محلی گرفته تا رستوران‌های مجلل، این مکان‌ها برای رهبران تبدیل به پانگاهایی کوتاه از تشریفات رسمی و بستری برای نمایش چهره‌ای انسانی‌تر شده‌اند. در ادامه، به چند چهره برجسته جهانی و خاطرات جالب آن‌ها در رستوران‌های مورد علاقه‌شان می‌پردازیم که تلفیقی از لحظات شخصی و تصمیم‌های بزرگ سیاسی را رقم زده‌اند.

### ● باراک اوباما

**از برگر واشنگتنی تا نودل‌های هائوی**

باراک اوباما در دوران ریاست‌جمهوری خود نشان داد که دیپلماسی می‌تواند طعم یک همبرگر ابدار داشته باشد. در ژوئن ۲۰۱۰ او به‌همراه دمیتری مدودف، رئیس‌جمهور وقت روسیه، تشریفات کاخ سفید را رها کرد و به یک همبرگر فروشی محلی به‌نام «ری‌ز هل برگر» در حومه واشنگتن رفت. این رستوران ساده که از محبوب‌ترین‌های اوباما بود، تبدیل به صحنه‌ای غیررسمی برای گفت‌وگوی دو رئیس‌جمهور شد؛ مشتریان عادی با شور و هیجان، ورود غافلگیرانه آنان را تشویق کردند و اوباما و مدودف در میان همه‌مهم رستوران بر سر میز کوچکی مشغول صرف همبرگر و صحبت شدند. رئیس‌جمهور آمریکا یک چیزبرگر کلاسیک با پنیر چدار و مخلفات سفارش داد و میهمان روس او هم همبرگری با فلفل هالوپینو و قارچ؛ هر دو با نوشیدنی‌های ساده (چای یخ‌برای اوباما و کوسا‌برای مدودف) و یک ظرف سبب‌زمینی سرخ‌کرده مشترک، این ناهار کاری صمیمانه را کامل کردند. این صحنه که بعدها «دیپلماسی برگری» لقب گرفت، نشان داد گفت‌وگوهای جدی سیاسی گاهی در فضای خودمانی‌کی‌فست‌فودراحت‌تر پیش می‌رود.

چند سال بعد، اوباما بار دیگر ثابت کرد که اشتراک غذا راهی برای نزدیکی دل‌هاست. در سال ۲۰۱۶ طی سفر به ویتنام، او به‌همراه آشپز



مقام سیاسی کشور، ارتباط انسانی و صمیمیت را نباید فراموش کرد؛ تصویری از او در حالی که کنار میز بغلی با لبخند یا بسک خبرنگار گپ می‌زند یا پس از صرف غذا شخصاً از کارکنان تشکر می‌کند، بارها در خاطر‌ها ثبت شده‌است.

### ● شی جین‌پنگ

**غافلگیری در صف رستوران کوچک پکن**

در سال ۲۰۱۳ یکی از غافلگیرکننده‌ترین تصاویر از یک رهبر جهان مخابره شد: شی جین‌پنگ، رئیس‌جمهور چین، بی‌توجه به تشریفات مرسوم امنیتی سرزده وارد یک رستوران محلی در پکن شد، در صف ایستاد و برای خود ناهار سفارش داد. این رستوران زنجیره‌ای محلی که به «چینگ‌فنگ» مشهور است، به فروش یک شنیتل سلشور این رستوران شکل گرفته است. مرکل نیز در دوران صدراعظمی خود کاری غیررسمی به این مکان آمده‌است. فضای صمیمی و کلاسیک بورشارت—یا ستون‌های بلند و صندلی‌های مخملی—پاتوق بسیاری از سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و لابی‌گران آلمانی است، جایی که گفته می‌شود ایده ائتلاف‌های سیاسی و تفاهم‌های پشت‌پرده در کنار اشتراک یک شنیتلسل مشهور این رستوران شکل گرفته است. مرکل نیز در دوران صدراعظمی خود برخی نشست‌های مهم با شرکای ائتلافی را در همین رستوران برگزار کرد تا در محیطی دور از فشار دفتر صدراعظمی، به گفت‌وگو بنشینند. حضور او در کنار سایر چهره‌های سرشناس آلمانی در بورشارت چنان رایج بود که گارسون‌ها و مشتریان به دیدنش‌ان عادت داشتند و آن‌ها را جزئی از حال‌وهوای همیشگی محل می‌دانستند. بورشارت برای مرکل چیزی فراتر از یک رستوران بود؛ این مکان به نمادی از برلین پس از وحدت تبدیل شد کسه در آن یک رهبر پروتستان از آلمان شرقی سابق می‌توانست در کنار سیاستمداران کهنه‌کار غربی، هنرمندان و حتی ستاره‌های هالیوودی بنشینند و در محیطی گرم و زنده از غذای خود لذت ببرد. مرکل با انتخاب چنین فضایی نشان داد که حتی در عالی‌ترین



#### ● ولادیمیر پوتین

**ضیافت‌های سنتی در کلبه پترزبورگی**

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور قدرتمند روسیه، در عرصه عمومی کمتر در رستوران‌های عادی دیده می‌شود، اما او نیز خاطرات خوراکی ویژه خود را دارد. پوتین ذائقه‌ای سنتی دارد و گفته می‌شود در زادگاهش سن پترزبورگ رستورانی به نام «پادورویه» را پاتوق کرده‌است؛ جایی که هر بار تقریباً همان غذاهای سنتی روسی را برای ناهار

#### ● و...

این خاطرات رستورانی از گوشه و کنار جهان، وجه مشترکی را به تصویر می‌کشند: سیاستمداران در هر جایگاه و فرهنگی که باشند، گاه در بناه طعم‌ها و عطرهای غذا لحظاتی از انسانیت و صمیمیت را تجربه می‌کنند که فراتر از تیتراهای خبری است. رستوران‌های محبوب آنها صرفاً محلی برای غذا خوردن نیست و صحنه‌ای است برای روایت داستان‌های ناگفته سیاست: داستان‌هایی که نشان می‌دهند سیاستمداران مطرح نیز انسان‌هایی با خاطرات، ذائقه‌ها و نیاز به ارتباط‌اند. از همبرگری در آمریکا که به بل ارتباطی واشنگتن و مسکو تبدیل شد تا نانی بخارپز در یکن که نمادی از پیوند رهبر چین و مردم گشت، همگی حاکی از آن است که سیاست گاهی بسیار «خورنی‌تر» از آن چیزی است که در اخبار رسمی می‌بینیم. این لحظات خوش‌طعم، در تاریخ سیاسی ماندگار شده و نشان می‌دهند که مسیر قلب‌ها حتی از دل قنده مردان و زنان سیاست هم می‌گذرد.

اینی که هست نیز خاص‌تر می‌شد.

### ● رفع فیلتری که نشد

رفع فیلترینگ و ناکامی آن نیز ازمنظر الم شمس بود. اینکه کوه رفع فیلتر در دولت پزشکیان موش زایید را نیز باید مستقیماً از دید خود اصلاح‌طلبان دید. مانور بیش از اندازه بر رفع فیلترینگ در این دولت با آنکه مشخص‌است که نهادهای تصمیم‌گیر کسان دیگری هستند، گل به خودی به اصلاح روشنفکران اصلاح‌طلب بود. نتیجه آنکه در نهایت رفع فیلتر به واتس‌آپ تقلیل یافت و حتی خبری از رفع فیلتر بوتیوب که آذری چهرمی‌اوزیر ارتباطات دولت روحانی) تا قبل از عیداعایش کرده بود هم نشد و سخنگوی دولت پزشکیان نیز آب پاکی را روی دست همه ریخت و ترجیح داد تا دیگر درباره زمان رفع فیلتر ابراز بی‌اطلاعی کند.

### ● از تدار کاتچی تا بدشانشی

معمولاً یکی از شیوه‌های اصلاح‌طلبان بعد از ناکامی دولتمدانشان آوردن بهانه‌های متعدد است. مثلاً وقتی خاتمی، تدار کاتچی شد، حسن روحانی کاندیدای اجاره‌ای نام گرفت و حالا حساب کار پزشکیان با آن همه سواد و تحصیلات را به نام بدشانشی می‌گذارند. اگر بنا به بدشانشی است که از ابوالحسن ینی‌صدرش بگیرد که حضورش با جنگ آغاز شد تا مردم

رئیس‌ی که هواپیمایش



چید. حتی در مناظره‌های انتخاباتی تیم پزشکیان و از جمله ظریف این هشدار داده می‌شد که با به ریاست جمهوری رسیدن ترامپ که در ادامه رخ خواهد داد خط و مشی اصولگرایی اتفاقات ناگواری برای کشور رقم می‌زند.

به عبارتی اتفاقاصلاح‌طلبان، پزشکیان و تیمش را راه حلی برای بعد از دوران ترامپ تلقی می‌کردند و عجیب آنکه حال همان اصلاح‌طلبان، دوران ترامپ را بدشانشی پزشکیان تلقی می‌کنند(!)

### ● قیمت ارز از همتی تا فرزین

تورم و مهار قیمت دلار از ادعاهایی بود که امثال همتی در شبکه‌های مجازی و رسانه‌ها از آن سخن می‌گفتند و در نهایت خود او وارث دلار ۹۳ هزار تومانی نشد و عزل شد. از سویی در اوج نابسامانی قیمت ارز در دولت، پزشکیان به ساختمان بانک مرکزی رفت و با محمد فرزین عکس یادگاری گرفت تا بگوید هوای رئیس کل بانک مرکزی که دولت سابق نیز حضور داشت را دارد و هنوز که هنوز است در هنگامه دلار ۱۰۳ هزار تومانی انگار نه انگار.

### ● خوش‌شانسی در قانون عفاف و حجاب!

تصویب قانون عفاف و حجاب نیز بر خلاف تصورات نه تنها غیر قابل پیش‌بینی نبود، بلکه آنجوره که بعد از تصویب این قانون روی داد را باید یک خوش‌شانسی برای دولت پزشکیان تلقی کرد و نه بدشانشی. آن هم ورود شورای عالی امنیت ملی برای اجرایی نشدن این قانون و همراهی و همگامی شخصی مانند قالیباف با دولت و نه مجلس در عملی نشدن قانون حجاب و عفاف بود که اگر واقعاً بنا به اجرایی شدن این قانون بود قطعاً پزشکیان نمی‌توانست چندان تاب مقاومت در برابر عملی نشدن آن بردارد و آن وقت اوضاع از



از «حلال مشکلات» تا «بدشانشی»؛ چرا مسعود پزشکیان همیشه ناگهان به هدف نمی‌رسد؟

## بدشانشی؛ قانون نانوشته سیاست ایران

- تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از رؤسای جمهور ایران در شرایط دشوار و با مشکلات بزرگی مواجه شده‌اند**
- از خاتمی تا احمدی‌نژاد و روحانی و رئیسی، ناکامی‌ها اسم‌های جدید گرفته‌اند**

**امید کاجیان**  
روزنامه‌نگار

«بدشانشی». رایج‌ترین و یا بهترین واژه برای توضیح و شاید توجیه ناکامی. قطعاً که زندگی و شرایط متفاوت انسان‌ها نقش‌شان در زندگی را غیر قابل انکار می‌کند. اما آیا برای توضیح و توجیه ناکامی یک سیاستمدار آن هم در قد و قواره و رئیس‌جمهور به همین میزان کارایی دارد؟

این روزها اصلاح‌طلبانی که تا دیروز می‌گفتند مسعود پزشکیان مهره مار دارد و افسونگری جذاب است که حتی اصولگرایان را نیز به خود جذب کرده، او را با سوادترین رئیس‌جمهور تاریخ ایران می‌خواندند و نحوه راه‌رفتنش را در مجالس و مجامع با استایلی‌های گنگ و... مقایسه می‌کردند، اکنون تحلیل‌هایشان از ناکامی دولت به بدشانشی آوردن وی، ختم شده و همین تحلیل از نظر عده‌ای شده‌است، نمکی بر زخم آن‌هایی که برای بار چندم پای صندوق رای رفته و نام مسعود

کلاهبرداری‌های دیجیتال از فعالان اقتصادی، وارد مرحله تازه‌ای شد

## شکاربازرگانان با پیام‌های اضطراری تلگرامی

● هشدار جدی برای بازرگانان؛ کد تلگرامت را نفرست، کیف پولت را می‌دزدند  
● کلاهبرداران با استفاده از حساب‌های هک‌شده، از مخاطبان درخواست ارز دیجیتال می‌کنند



می‌کنند. در این پیام‌ها، کلاهبرداران معمولاً از بهانه‌های اضطراری استفاده می‌کنند تا مخاطبان را تحت فشار قرار دهند و از آنها بخواهند که ارز دیجیتال (معمولاً تتر) به کیف پول‌های دیجیتال مشخصی ارسال کنند. در بسیاری از موارد، مخاطبان فریب خورده و درخواست‌های کلاهبرداران را پذیرفته و مقادیری ارز دیجیتال را به کیف پول‌های کلاهبرداران ارسال کرده‌اند اما در مقابل، برخی از مخاطبان و بازرگانان در تماس با صرافی‌های رمزارز و فعالان بازار ارز دیجیتال، متوجه شدند که این درخواست‌ها جعلی بوده و در نتیجه از انتقال ارز دیجیتال خودداری کردند. در نهایت، این افراد توانستند از خطرات بیشتر جلوگیری کنند.

### دسترسی آسان به اطلاعات بازرگانان

یکی از علل اصلی وقوع چنین کلاهبرداری‌هایی، دسترسی آسان به اطلاعات تماس بازرگانان و فعالان اقتصادی تهر گسز دارند، چرا که این افراد معمولاً ارتباط گسترده‌تری با مشتریان و مخاطبان خود دارند و از این رو، کلاهبرداران می‌توانند از طریق حساب‌های هک شده آنها، به راحتی به فهرست‌های مخاطبان دسترسی پیدا کرده و به شکل هدفمندتر کلاهبرداری کنند.



### از فریب تا سرعت ارز دیجیتال

نحوه اجرای این کلاهبرداری‌ها به گونه‌ای طراحی شده است که در ابتدا بازرگانان را تحت فشار قرار می‌دهند تا کد ورود خود به تلگرام را به کلاهبرداران ارسال کنند. پیام‌هایی که کلاهبرداران برای فریب ارسال می‌کنند، اغلب شامل عبارات اضطراری مانند «اعتبار تلگرام شما منقضی شده است» یا «برای ادامه استفاده از تلگرام باید اقدام فوری کنید» می‌شود. این پیام‌طوری طراحی شده‌اند که بازرگانان به سرعت و بدون فکر اضافی، اقدام به ارسال کدهای ورود خود می‌کنند.

پس از دریافت کدهای ورود، کلاهبرداران به حساب تلگرام بازرگانان دسترسی پیدا می‌کنند و از آن برای ارسال پیام‌های جعلی به فهرست مخاطبان استفاده

این تماس‌ها باعث نارضایتی بازرگانان شده بود. زمانی که روابط عمومی نهاد اقتصادی یاد شده به درخواست‌های اعضا توجه نکرد و اقدامات لازم برای جلوگیری از مشکلات امنیتی را انجام نداد، کلاهبرداران توانستند با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده، به حساب‌های تلگرامی بازرگانان دسترسی پیدا کنند.

### از تماس‌های توریستی تا هک حساب‌ها

در ادامه این روند، کلاهبرداران توانستند علاوه بر بازرگانان، به حساب تلگرام مدیران این نهاد اقتصادی نیز دسترسی پیدا کنند. این موضوع نشان دهنده ضعف‌های جدی در سیستم امنیتی و اطلاعاتی برخی نهادهای اقتصادی است که موجب سهولت دسترسی تبهکاران به اطلاعات حساس افراد و نهادهای می‌شود. در نتیجه، کلاهبرداران توانستند از حساب‌های هک شده برای ارسال پیام‌های جعلی و درخواست‌های مالی استفاده کنند.

### مشکلات مالی و کاهش اعتماد به فضای آنلاین

این کلاهبرداری‌ها علاوه بر آسیب‌های مالی به بازرگانان، به کاهش اعتماد عمومی نسبت به فضای دیجیتال و اختیاری رئیس خود از طریق کانال‌های واتس‌اپی متعدد کرده بود. این اقدام بدون رعایت حریم خصوصی اعضا، منجر به جمع‌آوری و اشتراک‌گذاری شماره‌های تماس بازرگانان شد و در نهایت کلاهبرداران توانستند به این اطلاعات دسترسی و از آن برای انجام کلاهبرداری استفاده کنند. این مشکل زمانی مشخص شد که ویزیتورهای یک شرکت توریستی که در زمینه تورهای تجاری و نمایشگاهی به چین و دیگر کشورهای شرق آسیا فعالیت می‌کردند، شروع به تماس‌های مکرر و آزاردهنده با فعالان اقتصادی کردند. این تماس‌ها با هدف تبلیغ و جذب بازرگانان برای شرکت در نمایشگاه‌های تجاری کم‌اهمیت صورت می‌گرفت. تماس‌های پیوسته و ناخواسته، بازرگانان را تحت فشار قرار می‌داد. این تماس‌ها که شبیه فعالیت موسسه موسوم به آشپز عاطفه هاست، اغلب از شماره‌هایی با پیش‌شماره‌های ۴۴۱ تهران صورت می‌گرفتند و گاهی در وسط جلسات مهم تجاری، مزاحم بازرگانان می‌شدند.

اقتصادی و بازرگانان انجام شود. از جمله این اقدامات می‌توان به استفاده از سیستم‌های امنیتی پیشرفته مانند احراز هویت دو مرحله‌ای برای حساب‌های آنلاین و تلگرام اشاره کرد. بازرگانان باید مشتریان و مخاطبان خود، احتیاط غیرضرور به خرج دهند.

از طرفی، این‌نوع کلاهبرداری‌ها به افزایش نگرانی‌ها در خصوص امنیت حساب‌های آنلاین و ارزهای دیجیتال دامن می‌زند. فریب‌خوردگان این کلاهبرداری‌ها، بخشی از دارایی‌های خود را از دست دادند و این مسئله باعث ایجاد یک فضای ناامنی برای کاربران و سرمایه‌گذاران در دنیای دیجیتال خواهد شد.

### راهکارهایی برای پیشگیری

برای جلوگیری از بروز چنین کلاهبرداری‌هایی در آینده، باید اقدامات جدی توسط نهادهای



اجرا کرد. هم‌اکنون در صنعت فولاد، شاهد پروژه‌های نیمه‌تمام متعددی هستیم که برخی از آنها بازتاب ناترازی در زنجیره هستند و جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاری را از دست داده‌اند و برخی دیگر، گرفتار تنگنای مالی، فنی یا مدیریتی هستند که واگذاری فرایند تکمیل آن‌ها به شرکت‌های موفق خصوصی، راهگشا خواهد بود.

### صنعت فولاد با ریسک‌های متعددی از جمله نوسانات قیمت مواد اولیه، تغییرات قوانین و مقررات و بحران‌های اقتصادی مواجه است.

مدیران باید سیستم‌های مدیریت ریسک مؤثری را پیاده‌سازی کنند تا بتوانند به‌سرعت به شرایط متغیر واکنش نشان دهند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. به عنوان مثال، صنعت فولاد یکی از صنایع پر مصرف انرژی است. با توجه به محدودیت‌های منابع انرژی و افزایش قیمت‌ها، لازم است که مدیران به دنبال راهکارهایی برای بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از منابع تجدیدپذیر باشند. این امر هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و به حفظ محیط زیست نیز یاری می‌رساند. می‌دانیم که کشورهای صنعتی در حال تدوین مقرراتی هستند که به موجب آن، واردات فولاد تهیه شده با سوخت‌های فسیلی به صورت تدریجی متوقف خواهد شد. از سوی دیگر، نظام تعیین قیمت نهاده

صنعت فولاد کشور با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌روست که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق مدیریتی است. بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای در صنعت فولاد به‌درستی تعریف نمی‌شوند. عدم شفافیت در اهداف، زمان‌بندی و منابع مورد نیاز، منجر به هدر رفت منابع و عدم تحقق اهداف می‌شود.

لازم است که پروژه‌ها با رویکردی علمی و مبتنی بر داده، ارزیابی و تعریف شوند. به عنوان مثال، توسعه زنجیره تامین فولاد و فرآورده‌های فولادی، باید به‌طور هم‌زمان به همه مراحل تولید، توجه داشته‌باشد. عدم توازن میان تامین مواد اولیه، فرایند تولید، صادرات و مصرف داخلی، به کاهش کارایی و افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود. ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف زنجیره تامین، مانع هدر رفت منابع خواهد شد و از این طریق، سود واحدهای تولیدی و کارخانه‌های بالادستی و پایین‌دستی را نیز افزایش می‌دهد.

تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای، یکی از چالش‌های اساسی در صنعت فولاد است. باید به دنبال راهکارهای نوین تامین مالی، از جمله جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل استفاده از ظرفیت‌های مختلف بازار سرمایه با شیب بتوان پروژه‌ها را با موفقیت

جای خالی هوش مصنوعی در بازار ایران، بحرانی فراتر از کمبود کالا

### ایران، بی‌هوش‌ترین بازار منطقه

● تنظیم بازار بدون هوش مصنوعی، مثل خلبانی در مه بدون رادار است

● هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های گسترده، می‌تواند الگوهای

تقاضا را پیش‌بینی کند

احترام قاضی  
روزنامه‌نگار

هوش مصنوعی در دنیای امروز نقشی کلیدی در تنظیم بازار ایفا می‌کند، زیرا قابلیت‌های پیشرفته آن در زمینه‌هایی همچون تحلیل و پیش‌بینی الگوهای تقاضا، قیمت‌گذاری، مدیریت زنجیره تامین و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا کاربرد دارد. تنظیم بازار به ویژه در صنایع پیچیده و پرتحول، به داده‌هایی دقیق و به‌روز نیاز دارد که رفتار مصرف‌کنندگان، تغییرات اقتصادی و نیازهای زنجیره تامین را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ارزیابی کند.

یکی از جنبه‌های اساسی کاربرد هوش مصنوعی در تنظیم بازار، پیش‌بینی دقیق تقاضاست. مدل‌های یادگیری ماشین، حجم وسیعی از داده‌ها از منابع مختلف مانند تراکنش‌های فروش، نظرات مشتریان و روندهای اجتماعی را به سرعت تحلیل می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به کسب و کارها و دولت‌ها اجازه می‌دهد تصمیمات بهینه‌تری برای تولید و واردات بگیرند و از مشکلاتی مانند کمبود کالا یا افزایش غیرمنتظره قیمت‌ها جلوگیری کنند. به علاوه، هوش مصنوعی به تنظیم قیمت‌ها کمک می‌کند و با تحلیل رفتار مشتری و رقابت‌های بازار، قیمت‌های مطلوب‌تری را پیشنهاد می‌دهد که تعادل سودآوری و تقاضا را برقرار کند.

هوش مصنوعی در بخش زنجیره تامین نیز با بهینه‌سازی فرآیندهای تامین، موجودی و تحویل، موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی می‌شود. به عنوان مثال با پیش‌بینی نقاط پیک مصرف یا نیازهای فصلی، شرکت‌ها را راهنمایی می‌کند تا برنامه‌های بهینه‌تری برای تأمین و توزیع کالا داشته باشند. این امر باعث کاهش احتمال انباشت اضافی کالا یا کمبود موجودی می‌شود.

هوش مصنوعی همچنین برای شناسایی و تحلیل الگوهای تقلب و نوسانات غیر طبیعی قیمت‌ها در بازار استفاده می‌شود. با این تحلیل‌ها، سازمان‌های تنظیم‌کننده قادر خواهند بود بر فعالیت‌های غیرقانونی و بازار سیاه نظارت بیشتری داشته باشند و محیط بازار را سالم‌تر و شفاف‌تر کنند. در حالی که در غیاب هوش مصنوعی، احتمال اعمال نفوذ برخی افراد تبهکار به ساختار تصمیم‌گیری‌های ستاد تنظیم بازار نیز وجود خواهد داشت.

کاربرد هوش مصنوعی در تنظیم بازار در کشورهای مختلف به عنوان یک ابزار استراتژیک و کارآمد شناخته شده و توانسته است تحولات قابل توجهی در مدیریت بازارها ایجاد کند. کشورهایی که از هوش مصنوعی به صورت موفق در این زمینه بهره برده‌اند، تعادل بهتری میان عرضه و تقاضا ایجاد کرده و کارنامه خوبی در کنترل مشکلاتی مانند نوسانات شدید قیمت و کمبود کالا از خود برجای گذاشته‌اند.

چین یکی از پیشتازان استفاده از هوش مصنوعی در تنظیم بازار است. در این کشور شرکت‌های بزرگ با کمک الگوریتم‌های یادگیری عمیق و تحلیل داده‌های بزرگ بازار، رفتار مشتریان و نیازهای مصرف‌کنندگان را پیش‌بینی می‌کنند. شرکت‌هایی مانند علی‌بابا از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی تقاضای کالاها در ایام خاص، مانند جشنواره‌های خرید استفاده می‌کنند. این تحلیل‌ها باعث می‌شود تا توزیع کالا در سراسر کشور بهینه‌تر شود و کمبودهای احتمالی کالا در زمان‌های اوج تقاضا، کاهش یابد.

در ایالات متحده شرکت‌های خرده‌فروشی مانند الومارت و آمازون از هوش مصنوعی برای تنظیم قیمت‌ها و مدیریت موجودی انبار استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها با تحلیل لحظه‌ای داده‌ها، قیمت‌ها را بر اساس عرضه و تقاضا بهینه می‌کنند و در نتیجه باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش رضایت مشتریان می‌شوند. برای مثال الومارت از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی نیازهای فصلی کالاها و تخصیص دقیق موجودی در فروشگاه‌های مختلف کمک می‌گیرد که این امر به کاهش هدررفت منابع و بهبود کارایی زنجیره تامین منجر شده است.

ژاپن با استفاده از هوش مصنوعی در صنعت کشاورزی و مدیریت بازار محصولات کشاورزی، گام بزرگی در تنظیم بازار برداشته است. از آنجا که ژاپن با مشکلاتی مانند کمبود نیروی کار و تغییرات اقلیمی مواجه است، از الگوریتم‌های پیشرفته برای پیش‌بینی تولید محصولات کشاورزی و نیاز بازار بهره می‌برد. این پیش‌بینی‌ها به کشاورزان یاری می‌دهد که تولیدات خود را بهتر مدیریت و از تولید مازاد یا کمبود جلوگیری کنند.

کره جنوبی در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در صنعت انرژی و بازار برق موفق بوده است. این کشور از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی نیاز به برق در ساعات مختلف روز و فصول سال استفاده می‌کند. این سیستم‌ها با تحلیل داده‌های اقلیمی و رفتار مصرف‌کنندگان، توزیع انرژی را بهینه می‌کنند و از نوسانات قیمت و مشکلات تامین انرژی در زمان‌های اوج مصرف جلوگیری می‌کنند. این روش موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری در صنعت انرژی کره جنوبی شده است.

در اروپا هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف مانند کشاورزی، انرژی و حمل‌ونقل برای تنظیم بازار و کاهش نوسانات به کار گرفته می‌شود. در صنعت حمل‌ونقل شرکت‌هایی مانند DHL و Maersk؛ الگوریتم‌های یادگیری ماشین برای بهینه‌سازی مسیرها، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و تسهیل زنجیره تامین استفاده می‌کنند. اتحادیه اروپا با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با هوش مصنوعی، به کشورهای عضو کمک کرده تا مصرف انرژی را بهتر مدیریت کنند و از بروز بحران‌های ناگهانی جلوگیری کنند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند در تنظیم بازار ایران هم نقش قابل توجهی داشته باشد و با پیش‌بینی دقیق تقاضا، بهبود مدیریت موجودی، بهینه‌سازی زنجیره تامین و حتی کاهش نوسانات قیمتی، از مشکلات بازار بکاهد.



یادداشت

# ماتیز؛ مینی کار خندان دهه ۸۰

## بررسی فنی، طراحی و جایگاه اجتماعی یک خودروی شهری فراموش نشدنی

**متین شبیری | در اواخر سال‌های دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، خیابان‌های ایران میزبان خودرویی شدند که نه شبیه پژو بود، نه پراید، و نه حتی پیکان. خودرویی با ظاهری گرد، چراغ‌هایی درشت و شخصیتی تزریق سوخت MPFIاستفاده می‌کند. دو ماتیز. محصولی از کره جنوبی که در دوران خود، نمادی از زندگی شش‌په‌ری مدرن و جمع‌وجور بود. حالا با گذشت بیش از دو دهه از ورود آن به بازار، فرصت مناسبی است تا نگاهی همه‌جانبه به این خودرو ببیندازیم؛ از مشخصات فنی و طراحی تا تجربه رانندگی و تأثیرات اجتماعی آن.**

**یک موتور کوچک اما کار راه‌انداز**
ماتیز از یک پیش‌رانه کوچک سه سیلندر با حجم ۰/۸ لیتر بهره می‌برد که از فناوری تزریق سوخت MPFIاستفاده می‌کند. این موتور توان تولید ۵۲اسب‌بخار قدرت و ۶۹نیوتن‌متر گشتاور را دارد. اگرچه این اعداد برای خودروهای امروزی ناچیز به‌نظر می‌رسند اما برای هدفی که ماتیز دنبال می‌کرد؛ یعنی تردد شهری با مصرف سوخت اقتصادی – کاملاً کافی هستند. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر این خودرو ۱۷/۶ ثانیه است و حداکثر سرعتش به ۱۴۵ کیلومتر بر ساعت می‌رسد. این ارقام شاید برای رانندگان نامیدکننده باشد اما برای کسانی که به‌دنبال یک خودروی کوچک و قابل اتکاست، کافی به‌نظر می‌رسد.

**مصرف سوخت؛ برگ برنده ماتیز**
در روزگاری که مصرف سوخت یکی از دغدغه‌های اصلی رانندگان شده، ماتیز همچنان حرف‌هایی برای گفتن دارد. با مصرف ترکیبی ۶/۳لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر، این



ماتیز به گیربکس ۵ دنده دستی مجهز است که اگرچه در ترافیک‌های سنگین شهری کمی زحمت دارد اما از نظر هزینه نگهداری، دوام و سادگی، از بسیاری از گیربکس‌های اتوماتیک ارزان‌قیمت بهتر عمل می‌کند. نکته قابل توجه، هماهنگی خوب موتور و گیربکس در دورهای پایین است که باعث می‌شود خودرو با دنده‌های بالا هم به‌خوبی حرکت کند.

**سواری سبک اما نه بی‌صدا**
چرخ‌های ماتیز از نوع ۶۵R۱۳/۱۵۵در جلو و عقب هستند. همین اندازه کوچک تایرها در کنار وزن سبک خودرو، باعث شده که سواری این خودرو در مسیرهای صاف، نرم و روان باشد. البته اگر از خیابان‌های پرچاله تهران عبور کنید، باید انتظار کوبش‌هایی را داشته باشید. عایق‌بندی صوتی هم چندان قوی نیست و صدای موتور در دورهای بالا به کابین نفوذ می‌کند اما در نهایت، نباید فراموش کرد که این خودرو برای شهر ساخته شده، نه جاده‌های کویری یا کوهستانی.

**ایمنی و امکانات؛ ساده ولی کافی**

دو ماتیز در زمان خود یکی از معدود خودروهای شهری بود که از ساختار نسبتاً مستحکمی برخوردار بود. هرچند از ایربگ یا سیستم‌های کمک‌رانندگی خبری نیست اما در تست‌های ایمنی شهری حداقل نمره قبولی را کسب کرده بود. امکانات آنچنانی هم ندارد اما تهویه مطبوع، شیشه‌بالابر برقی و سیستم صوتی ابتدایی از ویژگی‌های استاندارد آن بوده‌اند.

**سواری سبک اما نه بی‌صدا**

چرخ‌های ماتیز از نوع ۶۵R۱۳/۱۵۵در جلو و عقب هستند. همین اندازه کوچک تایرها در کنار وزن سبک خودرو، باعث شده که سواری این خودرو در مسیرهای صاف، نرم و روان باشد. البته اگر از خیابان‌های پرچاله تهران عبور کنید، باید انتظار کوبش‌هایی را داشته باشید. عایق‌بندی صوتی هم چندان قوی نیست و صدای موتور در دورهای بالا به کابین نفوذ می‌کند اما در نهایت، نباید فراموش کرد که این خودرو برای شهر ساخته شده، نه جاده‌های کویری یا کوهستانی.

**شخصیت اجتماعی ماتیز؛**

**فرا تر از یک خودرو**

شاید مهم‌ترین ویژگی دو ماتیز، نه در مشخصات فنی‌اش، بلکه در شخصیت فرهنگی و اجتماعی‌اش باشد. این خودرو در اوایل دهه ۸۰در ایران، به‌نوعی نماد زندگی مدرن و مستقل برای زنان جوان و خانواده‌های کم‌جمعیت بود. ظاهر بامزه و طراحی خاص آن، باعث شد در ذهن بسیاری از مردم با حس نوستالژی همراه شود. هنوز هم دیدن یک ماتیز در خیابان‌ها لبخند به لب می‌آورد.

### دنده عقب

## مرسدس بنز W۱۱۶ ترکیبی از لوکسی کلاسیک و جذابیت مدرن

**مشخصات فنی ۵۲۸۰**

مرسدس بنز S۲۸۰ W۱۱۶ یکی از برجسته‌ترین سدان‌های لوکس دهه ۵۰شمسی بود که با پیش‌رانه شش سیلندر خطی و حجم ۲/۷۴۶سی‌سی وارد بازار شد. این مدل در دو نسخه کاربراتوری (S۲۸۰S) و انژکتوری (SE۲۸۰) تولید می‌شد و توان تولید حدود ۱۵۶اسب‌بخار قدرت داشت. سیستم انتقال قدرت در این خودرو به‌صورت گیربکس ۴ سرعته دستی یا ۳ سرعته اتوماتیک ارائه می‌شد که تجربه‌ای نرم و راحت در رانندگی برای کاربران فراهم می‌کرد. شتاب صفر تا ۱۰۰این مدل حدود ۱۱/۵ثانیه و حداکثر سرعت آن نزدیک به ۱۹۰ کیلومتر بر ساعت بود؛ عددی که برای یک سدان باابعاد بزرگ و وزن حدود ۱۶۰۰کیلوگرم در آن دوران، کاملاً قابل توجه به‌شمار می‌آمد.

**زبان طراحی دهه ۷۰؛ عضلانی، مقتدر و اصیل**
ظاهر بیرونی S۲۸۰دقیقاً مطابق با انتظارات از یک مرسدس بنز کلاسیک بود؛ خطوط صاف و کشیده، جلوپنجره کرومی بزرگ و چراغ‌های جلوی ساده ولی باوقار. بدنه عضلانی با ارتفاع کم و طراحی کشیده‌اش، حس قدرت و شیک بودن را به‌طور هم‌زمان منتقل می‌کرد. طراحی داخلی این خودرو نیز همچنان حس لوکسی و اصالت



### خودرو

روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۲۰۲۰ | سشنبه | ۱۹ فروردین | ۱۴۰۲

### چراغ چک

**واردات خودرو برای رفع کسری بودجه یا مردم؟**

### واردات یا ابزار مالی؟

در حالی که افکار عمومی و بسیاری از کارشناسان انتظار داشتند واردات خودرو به ابزاری برای تنظیم بازار و افزایش رقابت در صنعت خودروسازی داخلی تبدیل شود، انتشار جزئیات جدید از افزایش سود بازرگانی خودروهای وارداتی، سیگنالی کاملاً متضاد با این هدف را به نمایش گذاشت.

**جهش عجیب تعرفه‌ها**

براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از منابع مطلع، سود بازرگانی برای خودروهای بنزینی با حجم موتور بین ۱۵۰۰ تا ۱۵۰۰سی‌سی – که اتفاقاً بیشترین سهم را در میان خودروهای وارداتی دارند – از ۵۵ به ۱۰۰درصد افزایش یافته است. به بیانی دیگر، هزینه واردات این دسته از خودروها تقریباً دو برابر شده و این موضوع می‌تواند مستقیماً بر قیمت نهایی آن‌ها در بازار تأثیر بگذارد.

**خودروهای اقتصادی هم قربانی شدند**

اما موضوع نگران‌کننده‌تر مربوط به خودروهای زیر ۱۰۰۰سی‌سی است؛ همان خودروهایی که بیش‌تر به‌عنوان گزینه‌هایی ارزان‌قیمت برای اقشار متوسط و پایین جامعه مطرح شده بودند. اکنون سود بازرگانی آن‌ها نیز با جهشی ۵برابری، از ۲۰ به ۱۰۰درصد رسیده است. این افزایش در حالی رخ می‌دهد که وعده سیاست‌گذاران برای واردات این خودروهای اقتصادی هنوز محقق نشده و بازار همچنان با کمبود گزینه‌های مقرون‌به‌صرفه مواجه است.

**هدف واقعی چیست؟**

با توجه به این تغییرات، بسیاری از تحلیلگران اقتصادی این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا هدف واقعی از واردات، تنظیم‌گری و ایجاد تعادل در بازار بوده یا تأمین بخشی از کسری بودجه سال ۱۴۰۴که حدود ۸۵۰هزار میلیارد تومان برآورد شده است؟ افزایش ناگهانی تعرفه‌ها این شائبه را تقویت کرده که واردات خودرو، به‌جای آنکه ابزاری برای کاهش فشار قیمتی بر مصرف‌کننده باشد، به منبع درآمدی جدید برای دولت تبدیل شده است.

**پیامدهای روانی سیاست جدید**

در شرایطی که تورم بالا و کاهش قدرت خرید جامعه همچنان ادامه دارد، چنین سیاست‌هایی می‌تواند نه‌تنها به افزایش قیمت خودروهای وارداتی منجر شود، بلکه با فشار روانی ناشی از آن، قیمت خودروهای تولید داخل را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد.

**بازگشت اعتماد، مأموریتی برای دولت**

از این‌رو، انتظار می‌رود دولت با شفاف‌سازی اهداف و اصلاح سیاست‌های تعرفه‌ای، اعتماد از دست‌رفته را به بازار خودرو بازگرداند که البته بعید به نظر می‌رسد، چراکه در حال حاضر دولت تنها به‌امین بودجه برای بقا و ادامه حیات خود می‌اندیشد تا زمانی که شرایط تغییر پیدا کند.

### ترکیب مسموم: روغن تازه، فیلتر کهنه

یکی از اشتباهات رایج در سرویس‌های دوره‌ای خودرو، تعویض روغن بدون توجه به فیلتر روغن است. این کار مثل آن است که آب تمیز را در یک ظرف آلوده بریزید؛ نتیجه، چیزی جز کاهش کارایی و آسیب تدریجی به موتور نیست. فیلتر روغن وظیفه دارد ناخالصی‌ها، براده‌های فلزی و دوده جمع‌شده در مدار روغن‌کاری موتور خودرو را جذب کند. حال اگر که این فیلتر در زمان مناسب خود تعویض نشود، به‌جای تصفیه، خود به منبع تولید و توزیع آلودگی به مدار روغن‌کاری و حتی تمام موتور تبدیل می‌شود. برای تفهیم بهتر موضوع یک مدار را تجسم کنید که به شکل دایره است و جنس آن از شیشه‌هایی است که با گل پوشیده شده‌اند، حال اگر شما در این مدار آبی زلال را با واترپمپ یا فشار بالا پمپاژ کنید تنها پس از چند ثانیه آن آب زلال تبدیل به یک آب گل‌آلود می‌شود، در نتیجه با توجه به سیستم طراحی و عملکرد موتور می‌توان گفت این کار به واقع یک کار نادرست و عبث است، چراکه روغن تازه‌ای که از یک فیلتر کثیف عبور می‌کند، خیلی زود خاصیت خود را از دست می‌دهد و به موتور آسیب می‌زند. حتی شاید بتوان گفت اگر به‌جای تعویض روغن شما فیلتر روغن خود را عوض کنید، کاری به مراتب فقلانی‌تر را انجام داده‌اید، چراکه حداقل آن روغن کثیف کمی تصفیه می‌شود و تمیزتر در موتور خواهد گشت، هرچند این کار هم کاملاً اشتباه است. به‌طور کلی موتورهایی که با فیلتر کهنه کار می‌کنند، معمولاً زودتر گرم می‌شوند، افت توان پیدا می‌کنند و در بلندمدت با استهلاک بالا روبه‌رو می‌شوند. این در حالی است که تعویض فیلتر، کاری ساده، سریع و در دسترس است که نقش مهمی در طول عمر خودرو ایفا می‌کند. به زبان ساده: اگر می‌خواهید کمتر به تعمیر‌گاه بروید، فیلتر روغن را هم‌زمان با روغن موتور عوض کنید.

### کلاس خودرو

## کابریولت و کانورتیبل؛ اسمم فرق می‌کنه، سقف تا می‌شه!

در دنیای خودرو، دو اصطلاح کابریولت (Cabriolet) و کانورتیبل (Convertible) برای توصیف خودروهایی به‌کار می‌روند که سقف بازشونده دارند و معمولاً ظرفیت‌شان بیش از دو سرنشین است. این خودروها ترکیبی از راحتی خودروی سدان و لذت رانندگی یک خودروی رولز را در قالب یک بدنه تطبیق‌پذیر ارائه می‌دهند. در واقع، هر دو واژه به یک دسته‌بندی از خودروها اشاره دارند: ماشین‌هایی با سقف متحرک که می‌تواند به‌صورت دستی یا برقی جمع شود. تفاوت اصلی نه در ساختار خودرو، بلکه در ریشه زبانی و کاربرد اصطلاح‌هاست.

خودروسازان آمریکایی بیشتر از واژه کانورتیبل استفاده می‌کنند؛ واژه‌ای انگلیسی که به‌معنای «تبدیل‌پذیر» است. در مقابل، خودروسازان اروپایی اغلب واژه کابریولت را به‌کار می‌برند که ریشه فرانسوی دارد و گاهی فرم کوتاه‌شده آن یعنی کابریو (Cabrio) نیز استفاده می‌شود. نکته جالب اینجاست که برخی خودروسازان بین این دو واژه تفاوت بازاریابی قائل می‌شوند. برای مثال، در بعضی برندها، مدل‌هایی با سقف پارچه‌ای (Soft Top) را «کابریولت» و مدل‌هایی با سقف فلزی جمع‌شونده (Hard Top) را «کانورتیبل» می‌نامند. اما این تفکیک در همه بازارها رسمی نیست و بیشتر جنبه برندینگ دارد.

**تجربه سقف باز:**

اگر پشت فرمان یک خودرو با سقف بازشونده هستید که با وزش و بر خورد باد روی صورت‌تان و آسمان بالای سرتان، حس رانندگی‌تان چند برابر می‌شود! چه به آن بگویید کانورتیبل، چه کابریولت، در اصل سوار یک خودروی رولز شده‌اید! اما بسته به کشور یا برند، ممکن است اسمش فرق کند! پس اگر چه نام‌ها متفاوت‌اند اما هدف یکی‌ست: تجربه رانندگی با سقف باز، زیر آسمان آبی!

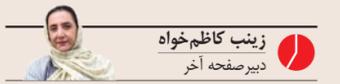


«نوجوانی»؛ یک شاهکار سینمایی با نگاهی به حقیقت‌های تلخ جامعه امروز

# هیجان، دلهره در یک برداشت بی‌وقفه

IMDB  
8.3

# Adolescence



زینب کاظم‌خواه  
دبیر صفحه آخر

کل فرآیند رسمی بازداشت و بازجویی را در یک ساعت بدون وقفه فیلم می‌گیرد که همه در زمان واقعی، همه در یک برداشت بلند و بدون قطع شدن بین سه یا چهار شخصیت به جلو و عقب فیلمبرداری شده، اصلاً در طول فیلمبرداری کات نمی‌شود.

کارگردان فیلم «نوجوانی»، فیلیپ بارانتینی، تجربه این کار را دارد، در فیلم سکانس پلان «نقطه جوش» همان کار را با همان بازیگر یعنی استیون گراهام انجام داد که در فیلم نوجوانی گراهام علاوه بر بازی در نقش پدر نوجوان، یکی از سازندگان سریال هم هست. اما این چهار ساعت مجزا در چهار مکان بسیار متفاوت اتفاق می‌افتد. مطلقاً نمی‌دانیم که برخی از این نماها چگونه فیلمبرداری شده‌اند. علاوه بر این، در یک ایپزود که عملاً یک مصاحبه طولانی است که روی دو شخصیت به تنهایی متمرکز شده است، آن‌ها یک صحنه یک ساعته را بدون هیچ وقفه یا کاتی ادامه می‌دهند، در حالی که بی‌نهایت خوب بازی می‌کنند. واقعاً کار محشری است.

البته این را هم باید گفت که تماشای سریال سخت است. نه به خاطر تک برداشتی بودنش، بلکه به دلیل موضوعش. داستان فیلم بدترین کابوس هر پدر و مادری بوده و بسیار دلهره‌آور است، و مراحل عاطفی این خانواده، واقعاً طاقت‌فرساست اما نتیجه نهایی آن قدر قانع‌کننده است که تماشای آن برای هر طرفدار درام‌های جنایی یا هر طرفدار سینما ضروری است.

سریال «نوجوانی» نتفلیکس با توجه به نداشتن سنساره‌های بزرگ و تبلیغات اندک یکی از آن سریال‌هایی است که بسیار خوش درخشیده است و تقریباً امتیاز عالی بسیاری از منتقدان را به دست آورد. این سریال فقط چهار قسمت است و خیلی‌ها هر چهار قسمت را در یک نشست تماشا کرده‌اند. شاید این برای شمايي که هنوز سریال را ندیده‌اید عجیب باشد اما با دیدنش خیلی زود متوجه می‌شوید که چرا خیلی‌ها همه سریال را یک جا تماشا کرده‌اند. «نوجوانی» یک درام جنایی درباره نوجوانی است که متهم به کشتن همکلاسی‌اش است، موضوعی که شاید قبلاً دیده‌ایم، اما نکته اینجاست که هر قسمت کاملاً در یک برداشت فیلمبرداری می‌شود آن هم قسمت‌های کامل ۵۰-۶۰ دقیقه‌ای. وقتی سریال را دیدید حتماً تعجب خواهید کرد که چگونه این کار از منظر دوربین، صحنه‌پردازی و بازیگری امکان‌پذیر بوده است. هر قسمت بر نقطه‌ای از این داستان تمرکز دارد، از روز اول شروع می‌شود و ماه‌ها بعد به پایان می‌رسد و بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه دستگیری بر نوجوان و خانواده‌اش تأثیر می‌گذارد. از نظر فیلمبرداری، برای مثال، ایپزود اول با دستگیری نوجوان توسط تیم ویژه شروع می‌شود، در مسیر رفتن به ایستگاه پلیس فیلمبرداری ادامه دارد و

پشت پرده‌های سریال نوجوانی  
آیا یک پسر نوجوان می‌تواند آنقدر تحت تأثیر افراد زن ستیز مانند اندرو تیت قرار گیرد که مجبور به قتل همکلاسی نوجوان خود شود؟ این سوال در مرکز نوجوانی، درام جنایی جدید نتفلیکس قرار داد. در چهار ایپزود که هر قسمت از طریق یک برداشت روایت می‌شود. عواقب دستگیری جیمی ۱۳ ساله به سبکی تماشایی به تصویر کشیده می‌شود. اون کوپر، بازیگری که برای اولین بار این سریال بازی می‌کند که در زمان بازی فقط چهارده سال داشت، به طور اجباری در سریالی نقش آفرینی می‌کند که در آن مردانگی مسموم، تنهایی و شکاف جنسیتی به نهایت می‌رسد.

نوجوانی بر اساس یک داستان واقعی مشخص نیست. با این حال، بر اساس رویدادهای واقعی اخیر در بریتانیا است. تولیدکنندگان می‌خواستند پس از افزایش جنایت با چاقو در سال‌های اخیر، اقداماتی برای این بحران انجام دهند. با این که بازیگرانی چون استیون گراهام، اشلی والترز و ارین دورتی در این سریال به ایفای نقش می‌پردازند اما ستاره سریال اون کوپر پانزده ساله است که برای اولین بار جلوی دوربین رفته است.

یکی از سوالاتی که ذهن مخاطب را درگیر کرده در پایان قسمت دوم است، زمانی که دوربین در یک برداشت از مدرسه به محل جنایت می‌رود. در پست پلتفرم استریم توضیح داده شده است: «مدیر فیلمبرداری دوربین را حمل می‌کند و دانش آموز مدرسه‌ای را تا چراغ راهنمایی با یک نمای باز دنبال می‌کند. قبلاً از این که او



کارگردان فیلیپ بارانتینی بازیگران: استیون گراهام، اشلی والترز، ارین دوهرتی، اون کوپر  
داستان فیلم: در یکی از شهرهای انگلستان، پلیس مسلح به صورت ناگهانی به خانه‌ای وارد شده و جیمی میلر، پسر سیزده ساله‌ای را به اتهام قتل همکلاسی‌اش، کیتی لئونارد، دستگیر می‌کند. جیمی پس از طی مراحل قانونی در ایستگاه پلیس بازداشت شده و برای بازجویی نگه داشته می‌شود و سپس به یک مرکز آموزش امن منتقل می‌شود. تحقیقات در مدرسه جیمی و گفت‌وگوی یک روان‌شناس جنایی با وی، نشان می‌دهد که او مدت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفته است. سایر دانش‌آموزان، از جمله کیتی، او را در اینستاگرام هدف قرار داده به او توهین‌های بسیاری کرده بود. این توهین‌ها به بخشی از باورهای عمیق جیمی درباره خودش تبدیل شده و هنگامی که این باورها و دیدگاهش توسط روان‌شناس به چالش کشیده می‌شود، واکنش شدیدی نشان می‌دهد.

گاردین  
درام جک تورن و استیون گراهام درباره نوجوانی که متهم به قتل، شگفت‌انگیز است. بازی‌های خیره‌کننده آن و سوالات ویران‌کننده‌ای که در این فیلم مطرح می‌شود در ذهن تان می‌ماند. نوجوانی، درامی که همه والدین را به وحشت می‌اندازد.



ورایتی  
این سریال تلخ، خیلی درخشان نوشته شده است. این سریال پیچیدگی‌های انسانیت و وحشتناک و سرریبی به زندگی نوجوانان نفوذ کرده است. نوجوانی به ما یادآوری می‌کند که چطور ما شکست خورده‌ایم و نسل‌های پس از ما شکست خواهند خورد.



نیویورک تایمز  
سریال جدید نتفلیکس که از لحاظ احساسی پیچیده است، درباره «نوجوانی» که متهم به قتل یک همکلاسی است، به عنوان اثری بی‌نظیر از نقد اجتماعی به نمایش کشیده می‌شود. این سریال از درد و شوک به عنوان دری فرعی برای سسؤالالات جالب و نقدهای اجتماعی استفاده می‌کند. این سریال درباره یک نوجوان است، اما ایده‌های آن بزگسالانه است.



سی‌ان‌ان  
وحشت «نوجوانی» این است که داستانی درباره مشکلاتی است که تا وقتی خیلی بزرگ نشوند به سادگی نادیده گرفته می‌شوند. اگر فکر می‌کردید زندگی در دوران نوجوانی سخت است، نتفلیکس اینجاست تا با این درباره یک قتل وحشتناک به شما یادآوری کند که بچه‌های امروزی حتی سخت‌تر از آن هستند.



این سریال تلخ، خیلی درخشان نوشته شده است. این سریال پیچیدگی‌های انسانیت و وحشتناک و سرریبی به زندگی نوجوانان نفوذ کرده است. نوجوانی به ما یادآوری می‌کند که چطور ما شکست خورده‌ایم و نسل‌های پس از ما شکست خواهند خورد.

سریال جدید نتفلیکس که از لحاظ احساسی پیچیده است، درباره «نوجوانی» که متهم به قتل یک همکلاسی است، به عنوان اثری بی‌نظیر از نقد اجتماعی به نمایش کشیده می‌شود. این سریال از درد و شوک به عنوان دری فرعی برای سسؤالالات جالب و نقدهای اجتماعی استفاده می‌کند. این سریال درباره یک نوجوان است، اما ایده‌های آن بزگسالانه است.



در واقع می‌توان گفت افزایش قیمت دلار تنها یک شاخص اقتصادی نیست؛ بازتابی از نوسان و بی‌ثباتی در بسیاری از بخش‌های زندگی از جمله در موسیقی است. باید توجه داشت که «موسیقی» هم‌اکنون هم یک هنر است و هم صنعتی با جنبه‌های اقتصادی که بیش از هر چیز به تعادل، برنامه‌ریزی و ثبات نیازمند است. بدون حمایت و سیاست‌گذاری مناسب و در نبود چشم‌انداز اقتصادی مشخص، کنسرت‌ها ممکن است از یک رویداد فرهنگی عمومی، به تفریحی لاکچری و دست‌نیافتنی برای عموم مردم تبدیل شوند. اتفاقی که در حال حاضر نیز کمابیش آن را مشاهده می‌کنیم. ناگفته نماند که سال‌هاست تولید آلبوم موسیقی در ایران دیگر رونق سابق را ندارد و عملاً به امری پرهزینه، کم‌بازده و تا حد زیادی منسوخ تبدیل شده است. این مسئله نه تنها نتیجه مستقیم افزایش هزینه‌های تولید موسیقی در کشور است، بلکه در بستری از ضعف زیرساخت‌های حقوقی و نبود حمایت مؤثر از حقوق مؤلفان و پدیدآورندگان شکل گرفته است. در بسیاری از کشورهای جهان، حق مؤلف (Copyright) تضمین می‌کند که هنرمند از فروش آثارش، بهره‌برداری مجدد، پخش، بازنشر یا اجرای عمومی اثرش، درآمد پایدار و قانونی داشته باشد. در ایران اما به دلیل عدم الحاق رسمی به کنوانسیون‌های بین‌المللی کپی‌رایت و نبود نظام مؤثر نظارتی داخلی، هنرمندان پس از انتشار اثر، عملاً از چرخه بهره‌برداری اقتصادی آن کنار گذاشته می‌شوند. کپی‌های غیرمجاز، دابلودهای رایگان و نشر بدون اجازه آثار موسیقی، نه تنها رایج بلکه حتی در مواردی پذیرفته شده اجتماعی است. از سوی دیگر، افزایش مداوم هزینه‌های استودیو، صدابرداری، نوازندگان مهمان، تنظیم‌کننده‌ها، میکس و مسترینگ، طراحی گرافیکی جلد و تبلیغات، موجب شده تولید یک

نگاهی به تأثیر افزایش نرخ ارز بر جهان موسیقی  
**فالش نوازی باد دلار**  
ابعاد جبران‌ناپذیر نوسان بازار بر ساختار فرهنگی

سما بابایی  
روزنامه‌نگار

افزایش قیمت دلار در ایران، تأثیرات عمیق و گاه نامحسوسی بر وجوه مختلف زندگی فرهنگی مردم گذاشته است. از بخش‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر این افزایش قرار می‌گیرد، صنعت موسیقی و به‌ویژه در بخش برگزاری کنسرت‌هاست. این تأثیر نه تنها دامین‌گیر تهیه‌کنندگان و هنرمندان شده، بلکه تجربه مخاطب را نیز به‌طور محسوس دست‌خوش تغییر کرده است.





واقفیت در جستار؛ جایی برای بی‌پرده حرف زدن از حقیقت زندگی

## دنیای بی‌مرز تفکر

جستار نویسی در ایران ریشه‌های عمیق تاریخی دارد که باید شناخته شود



در سال‌های گذشته جستار نویسی و ترجمه جستار در ایران رواج قابل توجهی داشته و با فاصله‌ای قابل تأمل

جستار خوانی میان خوانندگان با اقبال ویژه‌ای همراه بوده است. همین اقبال خوانندگان باعث شده تا ناشران بخشی مجزا با عناوینی مثل ناداستان، جستار و یا تکنگرایی ایجاد کنند. همین توجه اقبال دلیل شکل‌گیری سولاتی می‌شود. چرا این فرم نوشتار با استقبال مواجه شده؟ ویژگی اصلی که خوانندگان این قالب ادبی را دنبال می‌کنند چیست؟ مبدأ نوشتاری این گونه ادبی در جهان و ایران از کجا نشانه‌گذاری شده است؟ این‌ها مواردی است که سعی می‌شود در این یادداشت به آن‌ها پرداخته شود.

### سرپنجه‌های واقفیت تنیده در روایت

قالب‌های ادبی که برای نوشتن و نگاریدن، در اختیار نویسندگان قرار دارد متفاوت و مانند پوشش گیاهی متنوع با ویژگی‌های مختلف هستند. همین امکان گسترده ادبیات که پیش روی خالق قرار دارد، جهان ذهن او را قابل کشف می‌کند و این اصلی‌ترین عنصر جذابیت برای مخاطب است. اهالی ادبیات به نوشته‌ای اعتبار می‌دهند که تصنع قاصه در آن ملموس نباشد و خواننده با چهره‌ای روان و خوانا مواجه شود. همین روان‌بودگی و جاری‌بودن وجه تمایز جستار می‌شود و آن را خواندنی می‌کند. حاصل مشاهده و ادراک نویسنده از یک پدیده در جستار جان می‌گیرد و به خواننده منتقل می‌شود. اگر این ادراک را برآمده از دل و جان نویسنده تلقی کنیم، باید این سخن سعدی را پذیرفت که «هرچه از جان برون آید، نشیند لاجرم بر دل».

### بستری برای گفت‌وگو

مشخصاً اصلی‌ترین ویژگی جستار را باید بستر آزاد نویسی دانست. نویسنده می‌تواند آزادانه تفکر و ادراکش را بنویسد و خواننده خود را مقابل متنی شخصی قرار دهد و با او به گفت‌وگو رود و رو بنشیند. جستار نویسی می‌کوشد تا از ایجاد چارچوب نظری و فکری برای مفاهیم دوری کند تا آنچه را که خواننده با آن مواجه می‌شود بدون واسطه و اعمال نظر باشد. اساساً همین عریان بودن شکل مواجهه با مفاهیم است که جستار را به قالبی خواندنی تبدیل کرده و در چند سال اخیر مخاطب زیادی به خود جذب کرده است.

### جستار در جهان

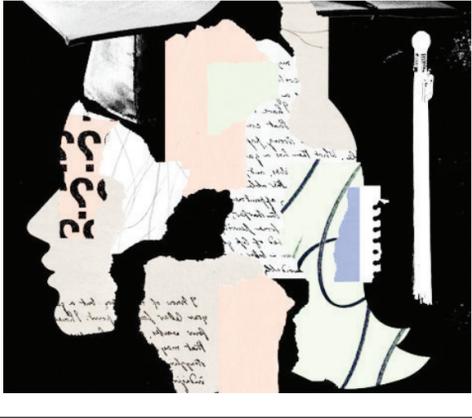
نخستین بار اوخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی، نوشته‌هایی منتشر شدند که به نویسنده این اختیار را داده بودند که در نوشتن اختیار بیشتری داشته باشند. میشل دمونتنی از عبارات essay برای معرفی یکی از مجموعه‌هایش استفاده کرد. فرانسویس بیکن کمی بعد از عبارت essay (جستار) استفاده کرد.

### ریشه‌های ایرانی جستار

در میان فارسی‌نویسان نمی‌توان به‌طور مشخص نوشته‌ای را سراغ جستار نویسی خواند، اما می‌توان سفرنامه ناصر خسرو را نوعی جستار دانست. پیش‌تر از آن نوشته‌های بیهقی و عظاملک جوینی در قالب روایت تاریخ را هم می‌توان جستار دانست. هرچند برای یافتن ریشه‌های جستار باید به بلندای قد و قامت این کتاب‌ها در تاریخ، به گذشته برگردیم. در میان معاصران، شاهرخ مسکوب و جلال‌احمد را پیشگامان جستار نویسی بدانیم و تلاش‌شان را برای این قالب ادبیات مهم برشماریم.

### یک پیشینه از دست رفته

در پایان باید گفت این قالب ادبی، بنا به تعریف فعلی‌اش، ریشه‌ای تومند در ادبیات ایران دارد و تا قرن‌ها به گذشته برمی‌گردد. پس پیراه نیست که ایرانیان با این قالب ادبی رابط‌های نزدیک دارند و از آن استقبال می‌کنند. جستار با پیشینه تاریخی‌اش در ایران و جایگاه ارزشمندی که در درازای سال‌ها داشته هرگز به شکل تئوری پرداخته نشده است. این گذشته آینده را نامعلوم می‌کند. باید منتظر ماند و دید سرنوشت این قالب ادبی به کدام سمت می‌رود. آیا همچنان میراث‌دار نیاکان و وفادار به خوانندگانش باقی می‌ماند یا آمیخته با رنگ بازار می‌شود.



## نقد و نظری بر نمایش «ذرات آشوب» ابراهیم پشت کوهی

# غبار کلمات

# بر تاریخ هر مرز

تاریخ هر مرز در «ذرات آشوب» گم می‌شود

و داستان به فراموشی سپرده می‌شود



تئاتر علاوه بر ایجاد سرگرمی، در جایگاه هنر همواره زمینه‌های مناسب برای نقد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را فراهم

می‌کند. دیگر کارکرد این هنر، قابلیت روایت تاریخ در بستر نمایش است. چنان‌که ویلیام شکسپیر، بسیاری از رویدادهای تاریخی انگلستان را در قالب تئاتر، به گونه‌ای ثبت کرد که با گذشت قرن‌ها از نگارش نمایشنامه‌هایش، هنوز آثار او بر صحنه‌های تئاتر جهان جاری و تأثیرگذارند. با این حال تاریخ هم با تمام جذابیت‌هایش اگر به صورت غیرداستانی بازگو شود، مخاطب را خسته و دلزده می‌کند. این اتفاق در تازه‌ترین نمایش ابراهیم پشت کوهی پیش‌روی مخاطب قرار گرفته است.

نمایش «ذرات آشوب» با نگاهی به بخشی از تاریخ صد و شانزده سال اشغال جزیره هرمز توسط پرتغالی‌ها و حماسه آزادسازی‌اش به سال ۱۰۰۱ خورشیدی به رهبری امام‌قلی‌خان در دوران صفویان نگاه گذرایی داشته است. پشت‌کوهی که معتقد است دلاوری مردم جزایر خلیج فارس هرگز چنان‌که شایسته بزرگی و اهمیت‌ش باشد به تحریر درنیامده، دست به کار شده تا با اجرای این نمایش، ستایشی از دریاشنیانی که در طول تاریخ از جغرافیای ایران پاسداری کردند، داشته باشد.

### ادای دین دلی با اصالت تاریخ؟

این کارگردان جنوبی که در اغلب آثار خود به تاریخ و فرهنگ زادگاهش ادای دین می‌کند، این‌بار نمایشی مرتبط با تاریخ هرمز به صحنه آورده است و شاید از همین منظر بتوان «ذرات آشوب» را جنوبی‌ترین نمایش پشت‌کوهی تا امروز دانست.

### کارگردان در نمایشی که به زادبوم خود او پرداخته و چه هنری اثر را پررنگ‌تر کرده، درحالی‌که در چنین نمایشی اصالت باید با تاریخ باشد؛ چون پشت‌کوهی سرانجام تصمیم گرفته بخش مهمی از تاریخ زادگاهش را برای عموم مخاطبان غیربومی به نمایش بگذارد. عرق و علاقه او به موطن‌اش قابل درک و تحسین است اما آیا وقتی تاریخ را با هنر پیوند می‌زند، نباید حرفش را به زبانی قابل فهم برای همه ارائه کند؟ حالا «ذرات آشوب»، بیش از هر کسی برای خود پشت‌کوهی و هم‌ولایتی‌هایش آشنا و درک‌شدنی است.

گیج و گنگ است. چنان‌که اگر ماجرای تاریخی نمایش پیش از شروع اجرا توسط کارگردان روایت نشود، تماشاگر متوجه نمی‌شود، با چه موضوعی روبه‌روست؟ نشانه‌های قصه‌گویی در «ذرات آشوب» به قدری کم‌رنگ‌اند که به نظر می‌رسد این‌جا با یک خلاصه داستان طولانی و کش‌آمده طرف هستیم. کارگردان در نمایشی که به زادبوم خود او پرداخته و چه هنری اثر را پررنگ‌تر کرده، درحالی‌که در چنین نمایشی اصالت باید با تاریخ باشد؛ چون پشت‌کوهی سرانجام تصمیم گرفته بخش مهمی از تاریخ زادگاهش را برای عموم مخاطبان غیربومی به نمایش بگذارد. عرق و علاقه او به موطن‌اش قابل درک و تحسین است اما آیا وقتی تاریخ را با هنر پیوند می‌زند، نباید حرفش را به زبانی قابل فهم برای همه ارائه کند؟ حالا «ذرات آشوب»، بیش از هر کسی برای خود پشت‌کوهی و هم‌ولایتی‌هایش آشنا و درک‌شدنی است.

### کارگردانی که از اقتباس فاصله گرفت

فارغ از محتوای نمایش، بازی بازیگران هم چنگی به دل نمی‌زند. حتی جمله معروفی از هوشنگ برخوردارند، ولی در بازی‌های بیانی و حسی چندان موفق نیستند و در حد رفع تکلیف ظاهر شده‌اند. گاتسا عابدی که بازیگر ثابت نمایش‌های اخیر پشت‌کوهی بوده، پس‌رفت مشهودی در بازیگری داشته و نتوانسته احساس عشق و قدرت را در وجود آنمیسس چنان‌که باید به نمایش گذارد. بازی رویا جوادینیا معمولی‌تر از آن است که انتظار می‌رود. جواد جیحوی بازی چشمگیری ندارد و سایر بازیگران هم سایه محو و کم‌جانی از نقش‌های خود هستند.

موسیقی پرشور بهرنگ عباس‌پور نیز از خلاقیت و زیبایی همیشگی تهی است و گروه نوازندگان فقط می‌کوشند با ترکیب سازهای محلی و مدرن، اتمسفر زندگی در جنوب را تداعی کنند. ابراهیم پشت‌کوهی که زمانی در نمایش «آخرین آثار دنیا»، خواننده خوش‌صدا و قدرتمندی مانند حسین

### غبار کلمات

از طرفی به نظر می‌رسد پشت‌کوهی در کارگردانی هم حرف تازه‌ای برای عرضه نداشته است. تماشاگر حرف‌های تئاتر یا آشنا با کارهای قبلی کارگردان، می‌تواند فوراً به شباهت‌های متعددی میان «ذرات آشوب» با کارهای پیشین خالقش پی‌ببرد. در حقیقت بیراه نیست اگر بگوییم نمایش جدید پشت‌کوهی، کولازی از آثار قبلی اوست. شاید این نمایش برای آن‌ها که تاکنون اثری از پشت‌کوهی ندیده‌اند، جذاب و شگفت‌انگیز باشد اما تماشاگر خاص و حرفه‌ای تئاتر، خیلی زود از تکرار فرم‌های کهنه‌خسته می‌شود. کارگردان در نمایش تازه خود، مدام تصویر می‌سازد. مدام سعی دارد با موسیقی، با



### تغییر ذائقه و شکل کنسرت‌ها

در واکنش به این بحران، بسیاری از تهیه‌کنندگان و مدیران هنری ناچارند برای بقای خود از الگوهای کم‌هزینه‌تر استفاده کنند. کاهش تعداد نوازندگان، اجرای کنسرت‌های آکوستیک با کمترین تجهیزات، استفاده از فضاهای کوچک‌تر و حتی برگزاری اجراهای آنلاین به جای حضوری، راهکارهایی هستند که برخی از آن استفاده می‌کنند. هرچند این راهکارها ممکن است به‌طور موقت اجرا را سر پا نگه دارند اما در بلندمدت تجربه مخاطب از موسیقی زنده را تضعیف می‌کند. مخاطبی که زمانی اجرای باشکوهی با ارکستر کامل، نورپردازی حرفه‌ای و صدای فراگیر را تجربه کرده حالا با اجرای حداقلی و بی‌رقم روبه‌روست. این افت کیفیت، نه‌تنها بر استقبال مخاطب تأثیر منفی می‌گذارد بلکه ممکن است ذائقه فرهنگی جامعه را نیز به سمت سطحی‌نگری و مصرف‌گرایی صرف سوق دهد.

### مهاجرت هنرمندان و دشواری تعاملات بین‌المللی

افزایش نرخ ارز باعث شده برخی خوانندگان و نوازندگان حرفه‌ای، به ویژه آن‌ها که امکان اجرای خارج از کشور دارند، ترجیح دهند در کشورهای دیگر کنسرت برگزار کنند یا به فکر اقامت دائم در خارج از ایران بیفتند. همچنین دعوت از نوازندگان مهمان یا گروه‌های خارجی برای همکاری در پروژه‌های زنده، به دلیل افزایش هزینه‌ها و محدودیت‌های ارزی، به‌طور چشم‌گیری کاهش یافته است. در سفر اول گروه شیلر به ایران، دستمزد با یورو ۵ هزار تومانی پرداخت شد، اما در سفر دوم این رقم به یورو ۶۲۰۰ تومانی افزایش یافت. این یکی از نشانه‌های تأثیر مستقیم نوسانات ارزی بر هزینه‌های برگزاری کنسرت‌های بین‌المللی است. در چند سال اخیر هم که قیمت یورو به بالای صد هزار تومان رسیده، دیگر حضور هنرمندان خارجی در ایران، به‌شکل کامل متوقف شده است.

### افت قدرت خرید مخاطب

افزایش قیمت دلار معمولاً هم‌زمان با تورم داخلی و کاهش ارزش ریال همراه است. این یعنی خانواده‌ها و جوانانی که پیش‌تر، تفریحاتی مانند رفتن به کنسرت داشتند، اولویت‌های ضروری‌تری پیدا می‌کنند. مخاطبی که پیش از این با اشتیاق برای دیدن اجرای زنده هزینه می‌کرد، حالا میان مایحتاج ضروری‌اش و یک بلیت کنسرت، گزینه نخست را انتخاب می‌کند. این کاهش تقاضا برای کنسرت‌های کمتر شناخته‌شده، اجرای خارج از تهران که در شهرهای کوچک‌تر برگزار می‌شوند، ضربه سنگین‌تری دارد. این عوامل سبب می‌شود تا به تدریج، کنسرت رفتن و دیدن موسیقی زنده که می‌تواند تجربه‌ای جمعی و وحدت‌بخش باشد به امتیازی مختص طبقات برخوردار تبدیل شود. محرومیت گسترده اقشار متوسط و ضعیف از دست‌رسی به فرهنگ، عدالت فرهنگی را نیز تهدید می‌کند. کافی است دقت کنیم که در فروردین ۱۴۰۲، سقف قیمت بلیت کنسرت به ۸۹۵ هزار تومان رسید، در حالی که این رقم برای سال ۱۴۰۱، ۶۹۹ هزار تومان بود.

### افزایش هزینه‌های فنی و اجرایی

برگزاری یک کنسرت حرفه‌ای نیازمند تجهیزاتی است که بخش عمده‌ای از آن وارداتی یا وابسته به قطعات خارجی است. سیستم‌های صوت، نورپردازی، ویدئووال، سازهای موسیقی، تجهیزات استیج و حتی لوازم یدکی برای نگهداری سازها همگی وارداتی هستند و با بالا رفتن قیمت دلار، هزینه تأمین یا اجاره این تجهیزات افزایش پیدا می‌کند و این هزینه مستقیماً به قیمت بلیت‌ها منتقل می‌شود. برای مثال در سال‌های اخیر، با افزایش نرخ ارز، هزینه اجاره سالن‌های کنسرت و تجهیزات مرتبط نیز افزایش یافته است. این افزایش هزینه‌ها، برگزارکنندگان را ناگزیر به افزایش قیمت بلیت‌ها کرده است. در سال گذشته، قیمت بلیت برخی اجراها تا یک میلیون و پانصد هزار تومان هم رسید.

### تبعات بلندمدت برای موسیقی زنده

مجموع این شرایط باعث ایجاد تبعات بلندمدت در اجرای موسیقی به شکل زنده دارد. کاهش تعداد کنسرت‌ها یا گران شدن بلیت‌ها می‌تواند بر فرهنگ موسیقی زنده در کشور ضربه وارد کند. وقتی مخاطب از تجربه زنده موسیقی محروم می‌شود، رابطه عاطفی‌اش با آثار هنرمند هم تضعیف می‌شود. از طرفی کاهش اجراهای زنده بر کیفیت حرفه‌ای نوازندگان و توانایی تأمین درآمد هنرمندان نیز تأثیرگذار است. این چرخه معیوب می‌تواند در بلندمدت به تضعیف فضای زنده و پویا در موسیقی منجر شود.

در نهایت، می‌توان گفت که افزایش قیمت دلار تنها یک چالش اقتصادی نیست، بلکه خطری است برای تداوم فرهنگ موسیقایی و حفظ میراث زنده هنر. این پدیده اگر به‌درستی مدیریت نشود، پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای ساختار فرهنگی جامعه در پی خواهد داشت.



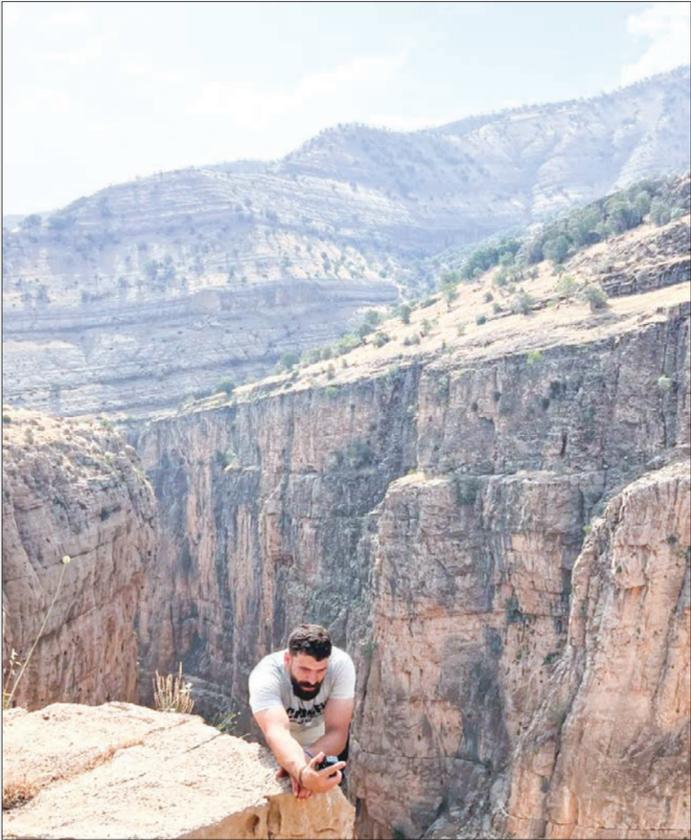


**درباره چالش‌های مرگبار اینفلوئنسرهایی که برای جلب نگاه، دست به اقدامات خطرناک می‌زنند**

# در دام دیده شدن

● **روانشناسان معتقدند که جلب توجه در فضای مجازی، نتیجه نیاز به تایید اجتماعی است**

● **شبکه‌های اجتماعی به دنیای جدیدی از چالش‌های مرگبار تبدیل شده‌اند که کاربران را به خطر می‌اندازند**



به سمت آنها روانه شود یا حتی برخی شخصیت این افراد را تحلیل و بررسی کنند. مثلا مر ترضی طاهری استاد دانشگاه تهران به خبرگزاری میزان گفته است: «از لحاظ روانشناختی، این افراد اغلب خصوصیاتی دارند که آنان را به سمت انجام رفتارهای خطرناک و عجیب سوق می‌دهد.

بسیاری از آنان تمایل شدیدی به جلب توجه و نیاز به تایید اجتماعی دارند، که در روانشناسی به‌عنوان «نیاز به پذیرش» شناخته می‌شود. این نیاز می‌تواند در افرادی با اعتمادبه‌نفس پایین یا کسانی که احساس ارزشمندی از سوی دیگران برایشان حیاتی است، تشدید شود. از طرف دیگر، برخی از این افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی همچون ریسک‌پذیری بالا، تمایل به تجربه‌طلبی و هیجان‌جویی هستند. آنها ممکن است به‌دنبال ترشح آدرنالین در فعالیت‌های پرخطر باشند و انجام چنین کارهایی برایشان تبدیل به راهی برای تخلیه روانی یا فرار از چالش‌های زندگی روزمره شده باشد.»

اما دکتر فراهانی معتقد است که نمی‌توان بدون داشتن اطلاعات دقیق از این افراد، به این راحتی اظهار نظر کرد. او می‌گوید: «لزوما نمی‌توان به دنبال اختلالات روانشناختی در فرد بود. نمی‌توان گفت که حتی آنها دارای شخصیت نمایشی هستند. ممکن است شخصی کم حرف و منزوی باشد، شخصیت نمایشی هم ندارد اما انگیزه‌ای در او پدیدار شده و شروع به تولید محتوا در شبکه اجتماعی کرده و توانسته جلب توجه کند. در اینجا آنچه اهمیت دارد، «انگیزه یا مشوق» است. توجه برای همه جذاب است و ممکن است برای بعضی از افراد، «توجه» انگیزه باشد، اما برای برخی دیگر عواید مالی حاصل از توجه انگیزه است.»

او ادامه می‌دهد: «لزوما انگیزه‌ها را نباید در ویژگی‌های شخصیتی فرد جست‌وجو کرد. ما هیچ اطلاعاتی از شخصیت اینفلوئنسری که بدون تجهیزات



زهرا داستانی

خبرنگار

دوربین در حالت سلفی است و مرد جوانی را با پس‌زمینه یک دره عمیق نشان می‌دهد. مرد جوان در حالی که دمپایی ابری برند زارا به پا دارد، روی لبه صخره ایستاده و با زبان کردی از دنبال‌کنندگان خود می‌پرسد: «وضعتان چونه؟» میل به «دیده شدن و شهرت» از طریق به اشتراک گذاشتن فیلم‌هایی از انجام اقدامات خطرناک باکمی چاشنی طنز و شوخی در شبکه‌های اجتماعی، فقط مختص به این مرد جوان نیست. برای شخص دیگری، «خواهر» سوژه شوخی‌های کلامی یا فیزیکی برادر است. شخص دیگری برای دیده شدن دست به دامان مادر بزرگش شده، او را با خودور در سطح شهر می‌چرخاند، مادر بزرگ به عابران پیاده طعنسه می‌اندازد و نوه با اشتراک‌گذاشتن ویدیوهای شیرین کاری مادر بزرگ، دنبال‌کنندگان بیشتری جلب می‌کند.

با سیرری در ویدیوهای به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران می‌توان گفت که میل به دیده شدن، یک پدیده جهانی است و کاربرانی از سراسر دنیا برای دیده شدن در شبکه‌های اجتماعی به اقدامات خطرناکی مانند انجام چالش‌های مرگبار، اجرای حرکات اکروباتیک غیرایمن، یا حتی تقلید از صحنه‌های خشونت‌آمیز دست می‌زنند.

#### ● چالش‌های خطرناک تیک تاک

چالشش «خوردن پیودر تایید»(Tide Pod Challenge) در سال ۲۰۱۸ در تیک‌تاک و توئیتر گسترش یافت و منجر به مسمومیت‌های شدید و انتقاد سازمان‌های بهداشتی شد. نیویورک تایمز در گزارشی با اشاره به این چالش نوشت که «نوجوانان برای جلب توجه همسالان، خود را در معرض خطر قرار می‌دهند.»

چالش «شکستن ججمه»(Skull Breaker Challenge) هم چالش دیگری بود که در سال ۲۰۲۰ میان کاربران آمریکایی تیک‌تاک باب شد و سپس در میان کاربران سایر کشورهای اروپایی گسترش یافت. این چالش توسط یک گروه سه نفری انجام می‌شد. به این شکل که یک نفر در وسط و دو نفر دیگر در دو طرف او می‌ایستادند و در حالی که نفر وسط می‌پرید دو نفر دیگر او را فریب می‌دادند و به پایهای او ضربه می‌زدند تا او روی زمین بیفتد. این چالش باعث صدمات جسمانی جدی به افراد انجام دهنده این چالشش در مدارس آمریکا شد. سی‌ان‌ان در گزارشی با پرداختن به این چالش، این اتفاق را ناشی از «فرهنگ بی‌پروایی در فضای مجازی» دانست.



#### ● نگاه

**دنیای پیچیده لایک‌ها و فالوئرهای اینستاگرامی،**

**جایی که هویت معنای خود را از دست می‌دهد**

## حقیقتی تلخ درباره لایک و عشق



محسن عسکری چهقی

عضو هیات علمی دانشگاه

در عصری که رسانه‌های اجتماعی به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره بدل شده‌اند، اعتیاد به دیده شدن همچون پیچک به تاروپود زندگی انسان تنیده است که با شتابی سرسام‌آور رشد می‌کند. اعتیادی که با هر «لایک»، هر «فالوئر»، و هر «بازنشر»، مغز را به ترشح اندکی دوپامین وامی‌دارد؛ در دست پداسنان که مخدرهای سنتی و صنعتی عمل می‌کنند اما بی‌آنکه به مصرف‌ماده‌ای خارجی نیاز باشد.

گای دوپور «جامعه‌نمایشی» را در کتابی به همین نام جامعه‌ای می‌داند که در آن، واقعیت جای خود را به بازنمایی می‌دهد و در آن «بودن»، قربانی «حمایانند» و نمایش می‌شود. در چنین جامعه‌ای چگونه اندیشیدن و چگونه زیستن اهمیت خود را از دست داده، جای خود را به چگونه دیده شدن می‌دهد. در این ساختار معیوب دنبال‌کننده‌ها (فالوئر‌ها) مقیاس ارزش اجتماعی انسان‌اند، به همان قیاس که پول، قدرت یا علم معیار ارزش‌های اجتماعی تلقی می‌شوند.

حکومت در ایران به هر دلیلی سبک‌زندگی بخش عمده‌ای از جامعه‌خاصه جوانان را به رسمیت نمی‌شناسد. فضای عمومی محدود و سهم‌اندک این بخش از جامعه در گفتمان رسمی، شددت این اعتبار را در جامعه دوچندان کرده، مردم علاوه بر زندگی عادی و روزانه، لایه‌ای دیگر از زیستن را در فضای مجازی خلق کرده‌اند که می‌توان آن را «زیست اینستاگرامی» نامید. فضایی که در آن «بدن» و «کنش‌های تابخردانه» به سرمایه اصلی فرد تبدیل شده، به تبع آن جراحی‌های زیبایی و اقدامات جنون‌آمیز، فرد را برای «نمایش بهتر» آماده می‌کند. زیبایی‌ظاهری و کنش‌های نابخردانه ابزاری اقتصادی است تااز انسان کالایی برای فروش و سرمایه‌ای برای جلب توجه بیافریند و راه او را برای ورود به باشگاه ناپایدار و بی‌رحم «اینفلوئنسرها» هموار کند.

در چنین فضایی نه‌فقط چهره طبیعی افراد، بلکه هویت فردی، آرامش روانی و روابط انسانی اصل به مسلخ می‌رود. نوجوانانی که از اندوه «نداشتن فالوئر» دچار بحران می‌شوند، جوانانی که جراحی‌های زیبایی انجام می‌دهند و انسان‌هایی که حتی اعضای خانواده خود را برای جذب فالوئر و لایک به ابزار تولید محتوا تبدیل می‌کنند و از مفاهیمی همچون شادی، سفر، غذا و حتی بارش باران راهی برای تفاخر می‌جویند. زیگمونت باومن جامعه‌شناس باور دارد چنین جامعه‌ای در حال «ذوب شدن در سیالیت مصرف‌گرایانه» است؛ سیالیتی که انسان در آن هرگز راضی و خرسند نیست و پیوسته در حال رقابت، تقلید یا مبارزه نفس‌گیر با دیگران است و چه راست می‌گفت سهراب سپهری که «دل خوش سیری چند؟» معنا، شخصیت و انسانیت در کوره سیالیت مصرف‌گرایانه ذوب می‌شود و از آدمی موجداتی بی‌قرار، نگران، مضطرب و محتاج تایید دیگران می‌سازد، انسانی که به مواد مخدر عصر ارتباطات یعنی «لایک و فالوئر» معتاد است؛ زامبی‌هایی با گوشی‌های هوشمند، که نه برای اندیشیدن، نه برای زیستن، که برای دیده شدن زندگی می‌کنند غافل از آنکه دیده شدن الزاما به‌معنای ارزشمند بودن نیست.

#### ● خبر خوش

## تنفس مصنوعی به بازار دارو

این روزها که حساسی ماجرای گرانی و کمبود دارو داغ شده و حتی یکی از نمایندگان مجلس به یکی از خبرگزاری‌ها گفته بحث دارو و سلامت «امنیتی» است، دو خبر خوش از این حوزه به گوش می‌رسد. یکی اینکه رئیس سازمان غذا و دارو اعلام کرده بیش از ۵۵ درصد مطالبات دارویی و تجهیزات پزشکی در سال گذشته پرداخت شده و دیگری هم برمی‌گردد به سخنرانی وزیر بهداشت در دیدار نیروزی با صاحبان صنایع دارویی کشور. محمدضی طاهرقلندی از جذب یک میلیارد دلار از صندوق پیشرفت و توسعه برای تأمین داروهای استراتژیک خیر داده تا لاقال سال جدید با دو خیر امیدوارکننده از حوزه بهداشت و درمان آغاز شود.

محمدرضا طاهرقلندی گفته: دارو به عنوان یک صنعت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی باید از چند منظر مورد توجه قرار گیرد؛ یکی از این موارد مهم، شرایط ضروری برای مردم، تأمین دارو و تجهیزات پزشکی است که از جنبه‌های مختلف بسیار حائز اهمیت است.

او با بیان اینکه چند عامل باید با هم ترکیب شوند تا پیشرفت صنعت دارو رقم بخورد تأکید کرده: از یک طرف، نیاز به تقدینگی و ارزش داریم و از سوی دیگر باید مصرف دارو به درستی انجام شود. به گفته طاهرقلندی، تولید و قیمت‌گذاری دارو نیز باید به‌گونه‌ای باشد که از هدررفت سرمایه کشور جلوگیری کند. نکته مهم این است که سود و پرداخت‌ها باید همخوانی با جیب مردم داشته باشد. در کنار این دو اصل، کیفیت بالا نیز بسیار مهم است و هیچ‌گاه نباید کوچکترین خدشهای به آن وارد شود.

#### ● روی خط خبر

#### ● امروز: آخرین مهلت ثبت‌نام نوبت دوم کنکور

مهلت ثبت‌نام نوبت دوم آزمون سراسری سال ۱۴۰۴ امروز از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور پایان می‌یابد.

ثبت‌نام و شرکت در نوبت دوم آزمون سراسری سال ۱۴۰۴ (نوبت دوم) برای پذیرش در رشته‌های با آزمون در دوره‌های روزانه، نوبت دوم (شبهانه)، نیمه‌حضوری، مجازی، پردیس خودگردان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه پیام‌نور و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی و همچنین رشته‌های تحصیلی با آزمون دانشگاه آزاد اسلامی برای ثبت‌نام در دو بازه زمانی منحصر از طریق درگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور به نشانی www.sanjesh.org انجام می‌گیرد.

#### ● این چهار خودروی برقی تاکسی می‌شوند

مدیر عامل اتحادیه حمل و نقل مسافر شهری کشور گفت: با تأیید شورای عالی ترافیک کشور چهار خودروی برقی مجوز ورود به ناوگان تاکسیرانی گرفتند. مر ترضی ضامنی با بیان اینکه با هدف کاهش آلودگی هوا و ارتقای کیفیت خدمات حمل و نقل عمومی، چهار مدل خودروی برقی برای ورود به ناوگان تاکسیرانی کشور مجوز دریافت کرده‌اند، افزود: چک‌جی ۷ کرمان موتور، Eado سایپا، FAW ایران خودرو و آیون (AION) شهرداری تهران، چهار خودروی مورد تأیید است.

#### ● وزارت نیرو حق آب هورالعظیم را بدهد

سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان بر لزوم تأمین حق آب هورالعظیم از سوی وزارت نیروبرای جلوگیری از وقوع آتش‌سوزی در این تالاب تأکید کرد. محمدجواد اشرفی به ایسنا گفت: در خصوص مهار آتش‌سوزی هورالعظیم، لزوم صدور مجوز اطفای حریق از سوی عراق برای مهار آتش توسط ایران در زمان آتش‌سوزی بخش عراقی تالاب، پیگیری‌هایی انجام شده است. در این خصوص مکاتباتی انجام و تمهیدات لازم اندیشیده شده است تا در صورت وقوع آتش‌سوزی چه در بخش ایرانی و چه در بخش عراقی، عملیات اطفای حریق از طریق سیستم آبیاش هوایی انجام شود.



استقلال دانشگاه‌ها را خدشه‌دار کرده است و ادامه می‌دهد: اگر روند دولت قبلی ادامه می‌یافت، می‌توان گفت که استقلال دانشگاه‌ها تقریباًاز بین می‌رفت. دانشگاه‌ها نهادهای علمی هستند، نه سازمان‌های اداری و نیاز به استقلال در تصمیم‌گیری دارند. رؤسای جمهور مختلف همواره گفته‌اند که دانشگاه باید اتاق فکر دولت باشد، اما در عمل زمانی این امر محقق می‌شود که دانشگاه استقلال و آزادی عمل داشته باشد. در کشورهای دیگر، دانشگاه‌ها با آزادی فعالیت کرده و نتایج علمی آن‌ها در توسعه کشور مؤثر است. اما در ایران، هنگامی که رؤسای دانشگاه‌ها بدون مقبولیت علمی و مدیریتی منصوب شوند، دانشگاه‌ها نمی‌توانند نقش خود را ایفا کنند.



بازگشته‌اند، که این خود اتفاق مثبتی است، اما هنوز تعدادی با مشکلاتی مواجه هستند و بازنگشته‌اند. دبیر کانون صنفی استادان دانشگاه با بیان اینکه در برخی دانشگاه‌ها، رؤسا بعد از تغییر دولت تغییر نکرده‌اند، بنابراین در برابر این اصلاحات مقاومت می‌کنند، توضیح می‌دهد: از دولت جدید و آقای صراف، وزیر علوم، انتظار می‌رفت تغییرات لازم را سریع‌تر انجام دهد، اما در برخی موارد نیز موانع قانونی مانع از بازگشت کامل اساتید و انتخاب روسای

#### ● نیکمت

## ماموریت نیمه‌کاره

**سر نوشت بازگشت اساتید اخراجی به دانشگاه‌ها چه شد؟**

بعد از برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۳ و تغییر رویکرد دولت، برخی از استادان اخراج شده به دانشگاه برگشتند و دانشجویایی که در سال ۱۴۰۱ پرونده انضباطی داشتند مجدد در کلاس درس حاضر شدند، اما به‌نظر می‌رسد این روند به‌طور کامل سپری نشده است، طوری که کارن ابری‌نیا، استاد دانشگاه تهران و دبیر کانون صنفی استادان دانشگاه به خبرآنلاین می‌گوید: «بازگشت اساتید به دانشگاه‌ها به‌طور کامل بعد از برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۳ و تغییر رویکرد دولت، برخی از استادان اخراج شده به دانشگاه برگشتند و دانشجویایی که در سال ۱۴۰۱ پرونده انضباطی داشتند مجدد در کلاس درس حاضر شدند، اما به‌نظر می‌رسد این روند به‌طور کامل سپری نشده است، طوری که کارن ابری‌نیا، استاد دانشگاه تهران و دبیر کانون صنفی استادان دانشگاه به خبرآنلاین می‌گوید: «بازگشت اساتید به دانشگاه‌ها به‌طور کامل







صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار سردبیر: افشین امیرشاهی مدیر هنری و وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور دبیر صفحه آخن: زینب کاظم خواجه، دبیر سیاسی: بابک نبی دبیر بین الملل: رامتین لعینی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلبلی

تلفن: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

# هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com

www.7sobh.com

نهایت مادر و نوزاد به بیمارستان منتقل می شوند، اما مواردی هم وجود دارد که مادر در مسیر بیمارستان فارغ می شود که عملیات زایمان و تولد نوزاد در داخل آمبولانس‌ها صورت می گیرد.

### ⚠️ خطری نیست!

همه مادران برای سلامت خود و نوزادشان، زایمان در بیمارستان را ترجیح می دهند، اما شرایط پیش‌بینی نشده تولد در آمبولانس را رقم می‌زند و شاید این تصور وجود داشته باشد که جان خودشان و کودکشان را با خطر مواجه کند.
فراهانی در این باره هم توضیح می‌دهد که کیت زایمان تأمین است و نیروهای عملیاتی اورژانس کارشناس پرستاری، هوشبری و… هستند و دوره‌های ویژه آموریت‌ها را می گذرانند.

به همین دلیل تمام توانمندی‌ها برای انجام این ماموریت‌ها را دارند. با همین تجهیزات هم پس از تولد نوزاد، راه هوایی کنترل می شود، جدا کردن بند ناف و اقدامات گرمایشی و… صورت می گیرد.

### 👩‍👧 مادران باردار در اولویت

معاون فنی و عملیات اورژانس استان تهران درباره این که بیشترین تماس‌ها برای مادران با شرایط خاص از کدام مناطق کشور، با اورژانس برقرار می‌شود، عنوان می‌کند: از همه نقاط کشور این تماس‌ها را داریم. احتمال بروز شرایط خاص برای تمام مادران باردار وجود دارد و اگر مورد حادی برای آنها پیش بیاید، برای اورژانس کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. تمام تلاش ما این است که این ماموریت‌ها با سلامت مادر و کودک انجام شود.

فراهانی همچنین به این موضوع هم اشاره می‌کند که آمار تولد نوزادان در آمبولانس متغیر است، اما درباره شهر تهران سال گذشته ۷۷مورد تماس از سوی مادران باردارا انجام گرفته که از این تعداد ۶۶ مورد زایمان موفق صورت گرفته است.

آمبولانسی را مربوط به مناطق صعب‌العبور و روستاهای دورافتاده از مرکز استان‌ها اعلام کرد و به این نکته هم اشاره کرد که حتی در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها و شهرهای دارای امکانات و دسترسی مناسب هم، در برخی موارد نوزادان عجلو فرصت رسیدن به بیمارستان را به مادر و تکنیسین‌های اورژانس نمی‌دهند. به همین دلیل تنها گزینه موجود تولد در آمبولانس است که امکانات و تجهیزات زایشگاه‌های تخصصی را ندارد، اما بر اساس تدابیر از پیش تعیین شده و اهمیت نجات جان کودک و مادر، تنها با یک کیت زایمان مجهز و تکنیسین‌های آموزش‌دیده اورژانس کار راه می‌افتد.

### 🚑 یا در خانه یا در آمبولانس!

البته که تولد‌های اورژانسی مختص هیچ زمان و مکانی نیست و ممکن است در هر شرایطی رخ بدهد، حتی در تعطیلات نوروز که همه تصور می‌کنند، هیچ ترافیکی مانع رسیدن به موقع آمبولانس به بیمارستان نمی‌شود. اسماعیل فراهانی، معاون فنی و عملیات اورژانس استان تهران درباره مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود زایمان در آمبولانس و حین ماموریت نیروهای عملیاتی اورژانس رخ دهد، سه هفت صبح می‌گوید: در تماس با اورژانس یکی از مواردی که درخواست آمبولانس و نیروی عملیاتی از ما می‌شود، مربوط به همین مادران باردار است که در شرایط اورژانسی قرار دارند و براساس شرح حالی که دارند، همکاران عملیاتی ما بر بالین این مادران حاضر می‌شوند که در نهایت دو اتفاق رخ می‌دهد.

فراهانی اتفاق معمول را انتقال مادر به بیمارستان عنوان می‌کند و توضیح می‌دهد: گاهی شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که نوزاد پیش از انتقال مادر به آمبولانس برای اعزام به بیمارستان در مرحله تولد است و مراحل زایمان طی می‌شود و در

## آمبولانس‌هایی که تولد نوزادان را در جاده‌ها جشن می گیرند تولد اورژانسی نوزادان عجلو گاهی بدون رسیدن به بیمارستان در آمبولانس متولد می شوند



متولد جاده فلان، پیچ یکی مانده به آخر و تابلو ورود ممنوع هستیم!» اتفاقی که البته جدید هم نیست و روزانه به طور متوسط ۸ زایمان موفق در آمبولانس‌ها رخ می‌دهد که البته در توروژ ۱۴۰۴ این آمار افزایشی هم بوده و به عدد ۱۰ هم نزدیک شده است.

### 👩‍👧 همین جا، محل تولد آمبولانس!

تا به حال فکر کرده‌اید که چه شغلی در دنیا وجود دارد که فعالانش احتمالاً صاحب را با بیمار قلبی سرو کار داشته باشند، ظاهر مصدومان

### نوستالژی

## اگر سندباد امروز بود، بلاگر سفر بود یا استارت‌اپ می‌زد؟



**بابک نبی** | احتمالاً همه‌مان یک «شخصیت کار توتنی» داریم که باهاش بزرگ شدیم. نه اینکه واقعاً کنارش باشیم، اما توی ذهن مان همیشه بوده: از همون‌هایی که صبح جمعه از خواب بیدار می‌شدیم، با موهای ژولیده و چشم‌های نیمه‌باز، می‌نشستیم جلوی تلویزیون و باهاش لیخند می‌زدیم، حرص می‌خوردیم، یا در مواردی اشک می‌ریختم. حالا، اما، سال‌ها گذشته. موهایمان ریخته، قبض‌هایمان زیاد شده و کارت‌های بانکی‌مان اغلب موجودی ندارد. اما سؤال این است: آیا آن شخصیت‌های دوست‌داشتنی هنوز هم برای زندگی امروز ما الگو هستند؟ بیایید چند مورد را با هم بررسی کنیم.

### 👉 فوتبالیست‌ها؛ بی‌نهایت تلاش، بی‌نهایت زمین!

اوج شگفتی فوتبالیست‌ها برای ما این بود که یک زمین فوتبالی می‌توست به اندازه یک کپکشان کش بیاد! اما غیر از فیزیک عجیب، یک نکته مهم هم داشتند: این همه تمرین، این همه تلاش، فقط برای گل زدن.

تو زندگی واقعی چی؟ ما هنوز تو زمین ایم. هنوز داریم می‌دویم، فقط نمی‌دونیم توپ کجاست. اما الگوی خوبی بودن؟ بله، اگر اهل هدف‌گذاری باشی و نفس دوند‌هات بلند باشه و حوصله صبر کردن تا قسمت بعد داشته باشی عالی است.

### 👉 پایان برنامه کودک

شخصیت‌های کار تونی دهه ۶۰ تا ۸۰ فقط تفریح نبودند؛ یک جور نجوای نرم و کودکانه‌ای بودند از مفاهیمی مثل مقاومت، امید، دوستی و پشتکار. حالا که بزرگ شده‌ایم، روان‌شناسی، شاید کافی باشد چند دقیقه به تام فکر کنیم. گربه‌ای که شکست خورد، ولی هیچ‌وقت کنار نکشید.

پس… الگوی ما کیه؟ شاید تام، شاید هایدی، شاید هم خود جری که بلد بود از هر چیزی لذت ببره! شما کدوم رو انتخاب می‌کنید؟

### یک دقیقه با زندگی

## فرزند گم‌شده آقای معلم

**فاطمه شیخ علیزاده** | سوز سرد بهمن، تیز و بی‌رحم به صورت‌م شلاق می‌زند. چشم‌هایم می‌سوزند. اولین ماشینی که جلوی پایم ترمز می‌زند، سوارش می‌شوم. پراید تمیزی است و راننده‌اش، مردی میانسال با ظاهر مرتب و کت اتو کشیده، آرام پشت فرمان نشست.

سه دختر نوجوان روی صندلی عقب نشسته‌اند و با هیجان درباره مهمانی آخر هفته‌شان حرف می‌زنند. چند دقیقه بعد، زیر پل سیدخندان پیاده می‌شوند. راننده، رفتن‌شان را با نگاهی طولانی دنبال می‌کند. بعد ناگهان سکوت را می‌شکند: «هن‌سن دختری من هستند… یکی بیست سالتشه، اون یکی شانزده.»

سر تکان می‌دهم: «خدا حفظ‌شون کنه.»

نگاهش به روبه‌روست و صدایش آرام در ترافیک پیش می‌رود: «اصلاً نفهمیدم چطور به این سن و سال رسیدند. ادیتی برای من نداشتند. اما همه موهای سرم از صخه پسرم سفید شد. من یک عمر با آبرو و نان

### داستان زمانه ما

## ۷/۳ میلیارد دلار طلا آمد، زراندوز رفت

اسدالله زراندوز، مردی بود با دکانی کوچک در بازار زرگرها. از آن دست آدم‌هایی که وقتی می‌خندید، صدای سسکه می‌داد. سال‌ها بود سعی می‌کرد از راه درست، لقمه‌ای نان و مثقالی طلا برای زن و بچه‌اش جمع کند، ولی هر بار که قیمت دلار بالا می‌رفت، مشتری‌ها پایین می‌رفتند و دخلش خالی‌تر از دل قوطی کبریت می‌شد.

یک روز صبح که هنوز جای‌اش را هم نخورده بود، شاگردش آمد تو و گفت: «حاجی! شنیدی؟ می‌گن امسال ۷/۳میلیارد دلار طلا وارد شده!»

### عکس‌روز



یازدهمین جشنواره لاله‌های کرج از ۱۵ فروردین ماه در باغ گل‌های پارک شهید چمران در حال برگزاری است. در این جشنواره ۱۵۰ هزار پیاز لاله هلندی در ۱۵ واربنه به همراه گل‌های فصلی دیگر کاشته شده و در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است. این جشنواره تا ۲۲ فروردین ماه از ساعت ۱۰صبح الی ۲۲ پذیری گردشگران است.

نشانی: تهران، خیابان سپه‌رودی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازده، پلاک ۳
کد پستی ۰۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۸۴۳۱۹۸۸ شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

### یادداشت

**وقتی کات‌های تلویزیونی، ابزاری برای کنترل محتوا به‌کار می‌روند**
**پخش زنده یا پخش نیمه‌جان**
پخش زنده با تروس از واقعیت و سانسور



وقتی شرط‌های لازم و کافی برای یک کار و کنش جدی را در نظر نمی‌گیریم و هیچ مہیای انجامش نیستیم و حتی در آن ته و توی ذهن و دل تمایلی به انجامش نداریم، وارد عرصه فرمالیته می‌شویم. وقتی می‌گوییم فلان چیز فرمالیته است، یعنی نباید به پوسسته ظاهری و ادعاها و شعارهایی که به آن پیوست شده اعتنا کرد، چرا که واقعی نیست، یا دست‌کم صداقتی در پس انجامش نیست. مولانا قرن‌ها پیش حکایت «شیر بی‌بال و دم‌اشکم» را نقل کرده که یک تفسیرش به همین نکته اشاره دارد: حکایت مردی لوطی‌نما که تاب سوزن خالکوبی را ندارد و مدام از جزییات پیگر شیر درمی‌گذرد. نمی‌شود نقش شیر خواست بر پوست و هم‌زمان از حک شدن اندامش ممانعت کرد. پیداست که نتیجه‌اش مضحک خواهد شد. این نتیجه مضحک مدت‌هاست در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ای رسمی ما تکرار می‌شود. یک نمونه بارزش همین ماجرای پخش زنده در شبکه‌های مختلف سیما بگذریم از این که بسیاری از این برنامه‌ها اصلا پخش زنده و مرده‌شان فرقی ندارد. هم از نظر ساختار و محتوا زنده و مرده‌شان یکی به حساب می‌آید و هم از نظر تعداد بیننده. اما فارغ از این، برای مردم جامعه پیام‌های پرمعنایی در دل فرمالیته پخش زنده وجود دارد.

همین یکی دوروز پیش بود که در یکی از همین پخش‌های زنده، واعظی بر منبر بود و توصیه می‌کرد به بردباری و تاب‌آوری، که صدای یکی از حضار، از بیرون قاب تصویر به گوش رسید که از وضعیت جامعه و معیشت گلایه داشت. بگذریم از این که آن واعظ محترم در همان لحظه نتوانست به توصیه‌خود عمل کند و صبر پیشه نماید و کوشید آن بنده خدا را به سکوت وادارد؛ اما وقتی در این امر کامیاب نشد، مسئولین پخش و کارگردان تلویزیونی وارد ماجرا شدند و اول تصویر و بعد با اندکی تأخیر ناشی از دستپاچگی، صدا را قطع کردند. نمونه‌هایی از این دست بسیار دیده‌ایم طی سالیان اخیر. بسیار دیده‌ایم کات‌های ناگهانی، پوزش‌های دروغین بابت نقض فنی و چهره‌های وحشت‌زده مجریانی که می‌کوشند حرف ممنوعه مهمان را روی آنتن زنده لاپوشانی و ماست‌مالی کنند.

پخش زنده برای رسانه‌ای خوب است که به آزادی بیان باوری واقعی دارد، پیه هر اتفاقی روی آنتن زنده را به تشن مالیده و قسط غرض ظاهر ماجرا نیست. وقتی حتی یک مسابقه ورزشی را هم با هول و ولای پخش تصویری ممنوعه، بر می‌کنند از پلان‌های مکرر و بی‌ربط، اصلا چه اضرائی دارند به تولید لایو؟ پخش زنده‌ای که تهیه‌کننده و ناظر و مجری و کارگردانش مسمدم در هراس از واقعیت باشند چرا باید وجود داشته باشد؟ اگر قرار است واقعیت در لحظه تریف شود که چرا پخش زنده را بندان می‌کنید؟ سر فرصت ضبط و تدوین و ممیزی کنید و به سیاق تمامی این سال‌ها قرائت محبوب خودتان را از هر پدیده‌ای روی آنتن ببرید و خودتان و دوستانتان هم تماشا کنید و به‌به و چه‌چه بگویید. چه در جامعه و چه در حوزه کنش فردی، باور و اعتماد به هر شععار و ادعایی نیازمند نشانه‌هایی از صداقت و سلامت و عزم انجام آن ادعاست. مهم نیست مردم چه‌قدر به شبکه‌های داخلی نگاه می‌کنند، اما این رسوایی‌ها را می‌بینند و دست به دست می‌کنند در فضای مجازی، چون نشانه‌ای مهم است برای نشان. نشانه‌ای از میزان واقعی صداقت ادعای مسئولانی که مونوپل مهم‌ترین رسانه را در اختیار دارند و با فرمالیته‌هاشان مدام شعور مخاطب را دست‌کم می‌گیرند.

### خبر

### اعلام برندگان جایزه تئاتر اولیویه

جان لیتگو و لسلی منویل برندگان اصلی جوایز اولیویه ۲۰۲۵ شدند. در مراسمی که در رویال آلبرت هال لندن برگزار شد، برندگان جوایز اولیویه ۲۰۲۵ معرفی شدند و جان لیتگو و لسلی منویل جوایز بهترین بازیگران مرد و زن را از آن خود کردند. نمایش‌های «مورد عجیب بنجامین باتن»، «ویولن‌زن روی بام» و «غول» هر یک با ۳ جایزه به عنوان موفق‌ترین نمایش‌های سال، به خانه رفتند. لیتگو این موفقیت را برای ایفای نقش رولد دال در نمایشنامه «غول» دریافت کرد. این نمایش همچنین جایزه بهترین نمایشنامه جدید را از آن خود کرد و همچنین ایوت لوی برای بازی در آن به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شناخته شد. به گزارش مهر، لسلی منویل جایزه بهترین بازیگر زن را برای اجرا در «دپسوس» برد تا برای دومین بار با این جایزه رهسپار خانه شود. این نمایش همچنین به عنوان بهترین نمایش دوباره اجرا شده، شناخته شد. «مورد عجیب بنجامین باتن» با موسیقی دارن کلارک و شعر جترو کامبتون، برنده جایزه بهترین موسیقی جدید شد و جان داگلیش که جایزه اولیویه سال ۲۰۱۵ را برای «بعد از ظهر آفتابی» برده بود، برنده جایزه بهترین بازیگر مرد در یک نمایش موزیکال شد. «ویولن زن روی بام» جایزه بهترین نمایش موزیکال دوباره اجرا شده را از آن خود کرد و جوایز فنی را برای تام اسکات در بخش بهترین طراحی صحنه و نیک لیدستر در بخش بهترین طراحی صدا کسب کرد. ایملدا استوتون نیز موفق شد برای بازی در نقش دالی لوی در «سلام، دالی!» این جایزه را از آن خود کند. رامولاکارای برای «سالیان» جایزه بهترین بازیگر زن نقش مکمل درام را دریافت کرد و مایمونا ممون به عنوان بهترین بازیگر زن نقش مکمل در نمایش موزیکال «اتاشا، پیر و دنباله‌دار بزرگ ۱۸۱۲» به خانه رفت و لیتون ویلیامز جایزه بهترین بازیگر مرد نقش مکمل مرد یک موزیکال را برای نمایش «اتانتیک» دریافت کرد.